

این بنده پیشنهاد می کنم ماده (۶) بطریق ذیل نوشته شود .
 ماده (۶) - قیمت قبض تلگرافی چهار شاهی است .
رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند (قابل توجه نشد) .
 ماده (۷) - در مواقعی که اداره تلگراف میتواند قبول مغایرات فوری و حضوری نماید قیمت مغایرات حضوری دوبرابر و فوری سه برابر است .
حاج شیخ اسدالله - اینجا اولاً که مینویسد (میتواند) بنده نمیفهمم میتواند یعنی چه دیگر آنکه مغایرات حضوری را غیر حضوری را فرقی بینگذارند اصل تلگراف باید فوری باشد بنده تمام را فوری میدانم و هیچ فرق مابین مغایرات نمیدانم و تمام مغایرات باید بکمال فوریت مغایره شود وقتی که میتواند و وقت دارد تلگرافخانه باید تلگرافات را بگیرد و فوراً بصاحبش برساند و هیچ فرقی ما بین مغایرات تلگرافات فوری یا غیر فوری بنده نمیگذارم .
معاون تلگراف - بله فرق مابین تلگراف فوری و حضوری و غیر فوری و حضوری است تلگرافات فوری مطالبی است که مقدم میدارند موافق ترتیبی که در نظامنامه داخلی نوشته میشود بر تمام مغایرات حتی بر مغایرات دولتی مقدم میشود باین علت او را فوری کرده اند برای آنکه پول او را سه برابر بگیرند و حضوری میباشد طرف مقابل خودش حضوراً مکالمه میکند و نمیتواند که از طرفین صد کلمه کمتر باشد چون مقید است باینکه کمتر نباشد از صد کلمه این است که دوبرابر نوشته اند و آن مغایرات فوری را سه برابر نوشته اند علت او این است که عرض کردم .
حاج آقا - بنده در فرق گذاشتن بین فوری و حضوری مغالطه و اینکه فرمودند قانع نشده بواسطه آنکه این فرقی که بین فوری و حضوری گذاشته اند که از صد کلمه هم کمتر نباشد در حالتی که مغایرات حضوری يك درجه از مغایرات فوری هم بالاتر است بجهت آنکه حاضرند و گفتگو میکنند و دیگر لازم برسانیدن نیست و در این صورت اگر نظراتان باین است که در حضوری صد کلمه است از این جهت دو مقابل میکنند پس خوب است که در فوری هم این مطلب را قید بکنند که فرق نداشته باشد .
معاون - بله اگر چنانچه مطلب صد کلمه برسد که جزو نظامنامه اداری است همان طور است که فرمودند طرف حاضر میشود پای تلگراف و مذاکره میکند و با این که فرمودند عرض میکنم مسلم است و اینها چیزی است که در نظامنامه اداری البته نوشته خواهد شد و اداره همیشه نگاه میکند که به بین ترتیب این کار باید چه قسم باشد که برای دولت صرفه داشته باشد مسلم فرق نمیکند که يك مطلبی اگر صد کلمه باشد و صاحب مطلب کسالت دارد و نمیتواند بیاورد اداره و فوری هم هست البته او را در نظامنامه يك ماده نوشته خواهد شد که این مطلب دوبرابر خواهد بود چون يك ماده دارد که حضوری از صد کلمه کمتر نخواهد بود .
حاج شیخ اسدالله - باین بیاناتی که فرمودند که مغایرات فوری بر تمام مغایرات مقدم است حتی بر مغایرات دولتی پس باید که هر وقت از اوقات که مغایرات فوری میشود باید قبول بکنند و بر تمام مغایرات مقدم بدارند و دیگر آنکه (میتواند) قبول

بکنند این لفظ نمیدانم برای چیست این (میتواند) را خوب است حذف بکنند .
افتخار الواعظین - این میتواند را گویا آقایان بدانند که برای این نوشته شده است که اداره تلگراف بعضی اوقات میشود که سیم بدست خودش نیست شاید درست دیگری است و او مشغول مغایرات دولتی است و در این وقت يك تلگراف فوری را آورده اند و نمیتواند فوراً قبول کند و مغایره نماید اینکه اینجا قید شده است برای اوقاتى است که اداره سیم درست خودش نباشد چون معنی فوری این است مادامی که شخص وارد شد و گفت که من تلگراف فوری دارم آن شخص تلگرافی ولو اینکه در دسترس است که مغایرات تلگراف یکی از وزراء است باید آن تلگراف را بگذارد و این تلگرافات را مغایره کند باین جهت بگوئیم می شود که سیم در دستشان نیست آن وقت نمی تواند قبول کند .
معاون الرعايا - میخواستم عرض کنم که بهتر بود که يك مدتی برای تلگرافات فوری معین می کردند .
معاون - عرض کردم تمام این ها راجع به نظامنامه داخلی است هم تعیین مدت هم ترتیبات دیگر آن اوقاتى را که اداره میتواند مطالب فوری قبول کند در نظامنامه داخلی بنویسند .
رئیس - گویا مذاکرات کافی است (اظهار شد کافی است) دو فقره پیشنهاد شده است قرائت می شود .
 پیشنهادی از طرف آقای معز الملک ببارت دین قرائت شد .
 بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۷ اینطور نوشته شود : در موقعی که اداره تلگراف میتواند قبول مغایرات حضوری نماید قیمت مغایرات فوری سه برابر معمول است .
رئیس - توضیحی دارید بفرمائید .
معز الملک - اینجا فقط اگر چه آقای معز توضیحاتی در اینجا دادند ولی این يك مسلماتی است که سیم درست ما نیست در اینجا نوشته شده است میگوید در مواقعی که اداره تلگراف خانه نتواند قبول کند آنوقت مغایرات حضوری و فوری را در يك حکم قرار داده بنده تصور میکنم که اینطور صحیح نباشد باید مغایرات حضوری را معین بفرقت که میتواند معین کند لیکن مغایرات فوری را چون سه برابر است نباید مقید کرد و باید مقدم بر هر مطلبی باشد او را نباید مقید باین قید کرد که هر وقت بتواند او را قبول کند خیر هر وقت بخواهند باید مغایره کنند .
معاون - عرض کردم مقصود از این لفظ (میتواند) گویا يك چیز دیگری مفهوم شد و او اینست که اداره تلگراف وقتی هم که سیم دارد نگیرد خیر اینطور نیست بعضی سیمها هست که در ساعت معین درست ما نیست و در آن ساعات بطور امتحان باید آن سیمها را امتحان بکنند مثلا از يك ساعت بظهور مانده تا یک ساعت بعد از ظهر اگر آن سیم را داشته باشیم که بتوانیم آن مطلب فوری را قبول کنیم بنویسیم مطالب فوری را از صبح میگیریم تا يك ساعت بظهور مانده نه اینکه فرض بفرمائید که در يك ولایتی که آن مغایره فوری را می آورند بگوئیم که نمیتوانیم اینجا این مطلب را قبول بکنیم عرض

میکند که این مطالب در نظامنامه داخلی نوشته میشود مثلا در خط فارسی میگیریم مطالب فوری را تا فلان ساعت امروز در يك خطی نمیتواند این کار را بکنند ممکن است در يك ماده دیگر يك کاری بکنند که بتواند این کار را بکنند پس ناچار باید در نظامنامه داخلی باشد که وزارتخانه در هر موقعی بتواند آنرا تغییر بدهد .
رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای معز الملک .
معز الملک - بنده قانع شدم و پیشنهاد خود را پس میگیرم .
رئیس - پیشنهادی است از طرف آقا میرزا ابراهیمخان قرائت میشود .
 بنده پیشنهاد می کنم که ماده ۷ این طور نوشته شود :
 مغایرات حضوری دوبرابر و فوری سه برابر قیمت معمولی است .
آقای میرزا ابراهیم خان - کلیه بنده اینطور پیشنهاد میکنم که ماده قانون باید بطوری جامع و ناطق نوشته شود که نشود يك تفسیر سوئی بر آن ماده تفسیر کرد و مقدمه این ماده بکلی نتیجه این ماده را لغو میکند لفظ (میتواند) يك کلمه است که شاید يك وقتی بتواند لهذا پیشنهاد میکنم که بطور ناطق و قاطع نوشته شود که مغایرات حضوری چه قیمتی و مغایرات فوری چه قیمتی بدون اینکه حشوی و زائلی بر او تعلق بگیرد .
معاون - بنده گمان میکنم آن توضیحی که دادم کافی بود از برای این مسئله بجهت اینکه وقتیکه ما این را در نظامنامه نوشتیم که فردا برای این اداره يك کسی تضرع جواب نکنند ممکن است که يك مطلبی را بیاورد و بگوید که این را فوراً مغایره نمایند و جواب فوری بدهد و بنده عرض کردم آن دفعه هم که ما این لفظ میتواند را از برای اختیار خودمان نوشتیم که در موقعی که آن سیم بدست ما نیست کار دیگر وارد میکند محل ایراد نباشد و در نظامنامه ساعات آن میتواند را معین میکند .
رئیس - رأی میگیریم باصلاح آقا میرزا ابراهیم خان آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند (تصویب نشد) .
 در این وقت اصلاح حاج آقا ببارت ذیل قرائت شد .
 بنده پیشنهاد میکنم که در ذیل ماده ۷ نوشته شود مگر در جائی که عدد کلمات فوری باندازه اقل مرتبه عدد کلمات حضوری باشد که در نظامنامه معین شده در قیمت مثل مغایرات حضوری دوبرابر است .
حاج آقا - معاون محترم تصدیق فرمودند که در وقتی که مغایره مطابق مغایره حضوری باشد همانطور باید دوبرابر گرفت و باید در نظامنامه نوشت بنده گمان میکنم بعد از آنکه این مادرا نوشتیم و آن عرض که تصدیق شد میتواند در نظامنامه بنویسند مگر اینکه در حضوری باشد ممکن است يك وقتی انسان تلگراف فوری دارد و هیچ لازم نداشته باشد که حضوری بیاورد وقت خودش را تلف کند و حضوری تلگراف کند يك تلگرافی است صد کلمه صد پنجاه کلمه میتواند بفرستد و فوری تلگرافخانه مغایره میکند بوجه این ماده دیگر نمیتواند در نظامنامه وزارت نوشته شود دوبرابر بگیرند اگر مطابق عدد

حضوری باشد چون در اینجا نوشته شده است ولو باندازه اولین عدد کلمات حضوری باشد که صد کلمه است پس این ماده را که بنویسیم فرض وزارت تلگراف هم حاصل است و در نظامنامه هم نوشته خواهد شد اگر این پیشنهاد را قبول کنند و الا تصور میکنم بشود قبول کرد .
معاون - بله این ضروری ندارد .
رئیس - رأی میگیریم باصلاح آقای حاج آقا آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند (رد شد) (پیشنهاد ادیبالتجار ببارت ذیل قرائت شد) :
 بنده پیشنهاد میکنم که ماده هفت چنین نوشته شود : در موقعی که اداره تلگراف میتواند قبول مغایرات فوری و حضوری نماید قیمت مغایرات فوری و حضوری دوبرابر معمول است .
ادیبالتجار - چون قسمت عمده مغایرات و تلگرافات راجع به تجارت مسکلت است و آقایان نمایندگان هم خیلی سعی دارند که اسباب سهولت کار تجارت در ایران خیلی بیشتر فراهم بیاورد لهذا بنده پیشنهاد کردم که قیمت کلمه دو برابر باشد اگر چه اهمیت فوری یا حضوری یکی نیست لیکن فوری یا حضوری میباشد یکی باشد بنده دوبرابر پیشنهاد کردم موقوف برای مجلس است .
افتخار الواعظین - بنده اینجا يك توضیحی عرض میکنم از برای استحضار آقای ادیبالتجار و اگر باز بر عقیده خودشان باقی بودند در اصلاح ایشان رأی گرفته شود تلگراف حضوری وقتی که میاید میگوید حضوری دارم اینجا اداره مجبور نیست که تمام مغایرات خودش را زمین بگذارد و آن مغایره حضوری را قبول کند زیرا که محتاج است اداره بآن مرکز طرف اطلاع بدهد و آن طرف هر وقت را که معین کرد و گفت من در آن ساعت در تلگراف خانه حاضر میشوم و شما هم آنساعت حاضر شوید که من برای مغایرات حضوری حاضر آنوقت مغایرات حضوری واقع میشود و البته آنوقت که اداره تلگراف میخواهد وقت معین بکند ساعتی را معین میکند که يك فی الجمله فراغت داشته باشد اما در تلگراف فوری اینطور نیست در همان حین که میاید میگوید که این تلگراف من فوری است باید اداره آن مغایره اش را کنار بگذارد و آن تلگراف بگیرد و فوری مشغول مغایره اش بشود بدون ملاحظه اینکه وقت دارد یا ندارد این است که تلگراف حضوری چون تمییز ساعتی بسته بنظر تلگراف خانه است و وقتی را معین میکنند که يك مقداری کار کمتر داشته باشد ولی چون هر وقت او آورد اداره تلگراف ناچار است که فوراً مغایره کند .
رئیس - رأی میگیریم باصلاح آقای ادیبالتجار آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند (رد شد)
 آقای لواء الدوله پیشنهاد جناب عالی اصلاح عبارتی است **لواء الدوله** - بله مطالبش تفاوت دارد .
 (اصلاح مزبور ببارت ذیل قرائت شد)
 چون در ماده اول هر کلمه مرقوم شده است لهذا بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۷ این نوع مرقوم شود - مطالب حضوری هر کلمه چهار صد دینار و مطالب فوری هر کلمه پانصد دینار .
لواء الدوله - در عبارت توضیحی که معین است بجهت اینکه دو مقابل و سه مقابل را بعضی اطلاع

ندارند که سه مقابل چیست اینجا بنده کلمه پیشنهاد کرده ام و کلمه قانونی است و هیچ ضروری ندارد اما در خصوص حضوری و فوری چون حضوری را مقید کرده اند بنده کلمه آن جبران میکند بنویسند برابر اما فوری اگر آن مقید بنده کلمه نبود و فوری مغایره میشد بجهت اینکه سابقه هم ندارد دوبرابر میگردند عیب نداشت حالا هم تفاوتی را که کرده است همان صد دینار است که بنده پیشنهاد کردم .
رئیس - رأی میگیریم باین اصلاح آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (رد شد)
 ماده ۸ مدلول ماده ۳ و ۴ و ۷ در روی تمام اوراق تلگرافی باید نوشته شود .
حاج سید ابراهیم - ماده ۷ فقط تعیین قیمت مغایرات فوری و حضوری میشود در حقیقت بمنزله استثناء از ماده اول است ماده قبل که دوبرابر و سه برابر معین کرده بود این استثناء است حالا که این ماده را روی اوراق مینویسند چه چیز است پس ماده اول را هم باید بگوئیم روی اوراق بنویسند و اگر نه این هیچ دلیلی نیست که مطالب ترفه تلگراف روی اوراق تلگراف نوشته و روی آنها دیگر نوشته شود .
بجهت - این ماده و ماده بعد در دو جزء نظامات داخلی است یعنی اطلاعات آن اشخاصی است که تلگرافی کنند اگر نباید این نوشته شود خیلی چیزها است که نوشته نشده است مثلا زمان مغایرات جاری ناچه وقت هست مغایرات فوری ناچه اندازه قبول میشود اگر کسی بولد داد که جواب تلگرافش بیاورد و کمتر شده چه خواهد بود اینها باین ماده و ماده بعد تمام جزء نظامات داخلی است لهذا هیچ مناسبتی ندارد که اینجا جزء بشود .
معاون - عرض کنم اول این مطلبی که راجع بنوشتن روی اوراق دولتی است این پیشنهاد خود وزیر نبود در کمیسیون رأی دادند که باید نوشته شود و این بسته سبیل خود آقایان است و مکرر عرض کرده ام که در نظامنامه داخلی از برای این ترفه که ۲ ماده است اقل پانصد ماده شرح نوشته میشود که بدانند تمام مردم این ترفه مغایرات را و اما از بابت شهر که آقا فرمودند این کلمه شهر جهتش این است که شهر را تا اکنون در مطلب محسوب نمی داشتند و حالا چون آن آخر قانون مینویسد که ماده که آنچه راجع به ترتیبات امروزه است از اجرای این قانون نسخ میشود لازم شد که شهر داخل کلمه محسوب باشد .
رئیس - دیگر مغالطی نیست (اظهاری نشد)
 ماده ۹ - اسم شهر جزو مطلب محسوب میشود .
دکتر علیخان - بله اینجا با وجود این که مختصر توضیحی دادند نمیدانم علت اینکه فقط اسم شهر نوشته شده است چیست اگر ماده قانونی نوشته میشود باید اسم طرف مقابل هم نوشته شود که تکلیف معین شود که آنها را هم چه ترتیب محسوب خواهد داشت و اگر بنا باشد که اسم کوچک و نام و نام خانوادگی کلمه محسوب بدارند زیاد است اگر برای اینها قرائت داده خواهد شد کاینها را کلا دو کلمه سه کلمه قرار خواهند داد که عرضی ندارد و الا پیشنهادی خواهم کرد **معاون** - عرض کردم که چون يك ماده در آخر این لایحه نوشته میشود که آنچه را که تاکنون در اداره

معمول بوده است از ساعتی که این ترفه را بوقوع اجرا بگذارند ترفه سابق هیچ خواهد شد - لهذا آنچه را که سابقاً معمول داشته ایم و امروزه موافق این ترفه که کسر قیمت داده ایم بایستی در آنجا مواد او را بنویسیم چون در سابق مطالب را اگر کمتر از ده کلمه بوده ده کلمه میگردانیم و هر ده کلمه را بقاوت سه هزار چهار هزار میگردانیم و هر ده کلمه را بقاوت سه هزار میگردانیم و حساب نمیگردانیم وقتی که بنام کلمه شمار مطلب گرفته شود واضح است که این ترتیب اروپا شده است می باید اسم شهر را هم در ضمن بنویسیم اگر مثل سابق بخواهیم بنویسیم و محسوب نکنیم در مقابل چیزی نگرفته ایم که از آن صرف نظر کنیم باین علت چون نسخ میکند قانون سابق را باین جهت ناچار شدیم که بنویسیم چنانچه يك ماده دیگر هم که کوبیده باید طرف مقابل را توضیح بگوید اینهم بواسطه همین مطلب است .
حاج شیخ اسدالله - بنده خواستم سؤال کنم که اول این اسم شهر را که جزو کلمات می شمارند اسم شهر مغایره میشود یا نمیشود عقیده بنده این است که اسم شهر مغایره نمیشود بنابر اینکه مشغول هستند مغایره با اصفهان یا خراسان صد تلگراف هم که وارد میشود در ضمن آن مغایرات تلگرافات را مغایره میکنند دیگر متصل اسم شهر را بنویسند که اصفهان بقرا ضمیمه او بگیرند که مغایره بکنند و جهت اینکه اسم شهر را هم جزو کلمه میگردند چه چیز است و بنده عقیده ام این است که اسم شهر را تا چهل معمول نبوده است و داخل در کلمات نمی شمرند حالاهم همان طور معمول بدارند .
افتخار الواعظین - آقای حاج شیخ اسدالله گمان فرمودند که تلگرافی که از مشهد میاید بطهران دیگر اسم نمی برند فقط چون در ذیل مغایرات طهران مغایره میشود دیگر لفظ طهران لازم نیست و مغایره نخواهد شد ولی خیر باید بدانند که اولاً از تلگرافخانه مشهد گفته میشود بنیشاب و سوزوار و از سوزوار گفته میشود بشاهرود همین قسم تلگراف از چندین نقطه مغایره میشود تا میرسد بطهران اگر اسم شهر را نگویند معلوم نمیشود تلگراف برای کجاست مثلا اگر نگویند طهران این نقاط نمیدانند این تلگراف از کجا و برای کجاست مثل اینکه سایر مطالب مغایره میشود اسم هم معقلاً مغایره میشود و اینجا که نوشته اند اسم شهر محسوب میشود بمان جبهه است که فرمودند چون شما میخواهید تمام آن قوانین سابقه را نسخ کنید باید در ذیل يك ماده قانونی از مجلس شورای ملی گذشته باشد و الا اشخاص شاید قبول نکنند بگویند این قانون از مجلس نگذشته است شاز روی کدام قانون میگوید وقتی که بنا باشد شما تخفیف بدهید بشخص مغایره کننده اختیاری با او است میخواهید پنج کلمه تلگراف کند میخواهید یازده کلمه تلگراف کند همان کلمه کلمه با او محسوب خواهد شد و کلمه يك عباسی یا پنجشاهی یا او محسوب خواهد شد در مقابل این ترتیبات باید يك چیزی برای دولت منظور شود که دولت بتواند جبران آن تخفیفهایی که داده است کرده باشد .
رئیس - مذاکرات کافی نیست (گفتند کافی است)
 يك اصلاحی از طرف دکتر علیخان قرائت میشود بنده پیشنهاد میکنم ماده ۹ اینطور نوشته شود عنوان و شهر کلیتاً سه کلمه محسوب میشود .

دکتر علیخان - چون از این توضیحاتیکه آقایان معاون و مخبر دادند معلوم شد که از برای هر چیزی يك كفه حساب میکنند بعضی اوقات لازم نبود کاسم يك کسی را با لقب باید گفت و شاید اسم کوچک و محله را هم بنویسند که تلگراف برسد بنده عقیده ام این است که يك قانون کلی باید وضع شود که آدرس که مقصود از آن همان اسم باشد و محلی که اقامت دارد و شهر اینها را سه کلمه حساب میکنند اعم از اینکه سه کلمه باشد یا زیادتر یا کمتر از این جهت بنده پیشنهاد کردم که کتبه سه کلمه محسوب نمایند.

معاون - یکماده دارد در این باب که هر کس بخواهد میتواند این کار را بکند.

رئیس - رأی میگیریم باین اصلاح که تلگراف آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (رد شده)

ماده ۱۰ - گویند تلگراف باید محل اقامت و عنوان طرف خود را بطور وضوح معین نماید.

مشیر حضور - بنده تصور میکنم که این اسم جزء نظامات داخلی است برای اینکه گیرنده تلگراف اگر چنانچه دید عنوان طرف بطور وضوح نوشته نشده است میتواند با بگوید بطور وضوح بنویسد باین جهت جزء نظامنامه است.

شعبانی - بنده در کمیسیون مخالف اینماده بودم که هر چه اشخاص معروف هستند لازم نیست که اسم آنها نوشته شود بطور مفصل و یک پول زیادی گرفته شود بعد که تحقیق کردم معلوم شد که این ترتیبی است که در خارج هم معمول است دیدند که اشخاص معروف را اگر باسم مفصل از ایشان بخواهد جا و مکان مشروح آدرس از آنها بگیرند و غیر معروف را هم بطور مشروح از آنها آدرس بگیرند این اسباب تسدیع میشود و نمیتواند آن انتظام را در تلگرافخانه تحصیل بکنند این بود که در ارجه فرار گذاشته اند که اشخاصی که میتوانند بطور اختصار آدرس مختصر بتلگرافخانه بدهند و در سال سه تومان بتلگرافخانه بدهند و الا هر تلگرافی که میکنند بطور مشروح و مفصل بنویسند و معرفی بکنند خودشانرا که تلگراف برسد و اگر چنانچه اشخاص خیلی معروف هم تلگرافرا بطور مختصر بگویند بتلگرافخانه حق داشته باشد که برساند چون اینقانون در تمام دنیا مجراست بنده هم قانع شدم و لازم بگفتگو نماندم زیرا غیر از این نمیتوان رفتار کرد ما هم اطاعت باید بکنیم و بیش از این گفتگو نکنیم.

بهرجت - اگر پیشنهاد دکتر علیخان تصویب می شد آنوقت بنده موافق بودم باین ماده اما حالا که تصویب نشد بنده نمی دانم بجهت اینرا بطور وضوح باید گفت ممکن است که هر چند کلمه که باسم عنوان گرفته شود آنوقت باز بگوید که نمی فهمم چند کلمه دیگر اضافه کنید تا درست بفهمم آنوقت این فرع زیاد بر اصل میشود اگر پیشنهاد دکتر علیخان تصویب میشد که عنوان کلیه سه کلمه باشد خیلی خوب بود والا بطور وضوح را بیا فرمائید که چه چیز است واضح شود.

افتخار الواعظین - مخبر - اینجا یکمرتبه اینستکه بعضی تجار تها با طرفشان قرار داده اند که مثلا تلگراف میکنند از اسلامبول بفران صدقانی طهران جمشیدیان طهران طومانایس خراسان صرافان

اگر این شکل است برای قبول این آدرس باید سالی سه تومان بدهند که اداره قبول کند و برود تحقیق کنند که در طهران صدقانی تاجر کبست و تجار تهاه اش کجا است که در دفتر خودش ثبت کند و هر وقت بآن عنوان تلگرافی آمد بدهد بدست فراش و بگوید که منزل این شخص فلان کاروانسراست خانه اش هم فلان کجاست اما اگر چنانچه سالی سه تومان برای این آدرس ندهد از مشهد تلگراف میکنند طهران حاج محمد حسین بیچاره تلگرافچی این تلگراف را باید در تمام شهر بگرداند و هیچ معلوم نشود که حاج محمد حسین کبست و در کدام نقطه است اینجا میگوید محل اقامت را بگوید یعنی نباید بگوید طهران سرای حاج حسن حاج حسین حالا میل خودش است اگر میخواهد که این کلمات بطور مشروح در تلگراف باشد مختار است و اگر که میخواهد این کلمات زیادی در تلگرافی که طرفش با او مخابره میکند نباشد باید سالی سه تومان بدهد و آدرس او ثبت میشود والا برای اینکه اداره تلگرافخانه فراش بداند که این تلگراف مال کدام حاج محمد حسین است و در کدام کاروانسراست برود باو برساند و بعد از پنجروز محتاج نشود باینکه از گویند تلگراف میبرسد که این آقای حاج محمد حسین که شما می فرمائید درجه جانی نشسته است او ثانیاً اینجا بگوید که در فلانجا نشسته است آنوقت تلگرافرا باو برسانند لازمست که قید شود و سه کلمه بطور وضوح باید نوشته شود یکی اسم محل یکی عنوان و یکی هم اقامتگاه طرف.

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است).

(پیشنهادی در این موقع از طرف ارباب کیخسرو بامارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۰ نمره تلگرافات این طور نوشته شود - گویند تلگراف باید محل اقامت و عنوان طرف خود را در صورتیکه غیر معروف و نامعلوم است بطور وضوح در تلگراف معین نماید

ارباب کیخسرو - این بر واضح است که در همه جا این کار را میکنند برای جریان امور تجارتی يك تاجری هست که هیچ مخابرات زیادی ندارد که برود سه تومان بدهد و عنوان مخصوصی برای خودش قرار بدهد که تلگرافی که باو میشود مستقیماً باو برسد حالا از او گذشته است يك نفر از کرمان میخواهد تلگرافی بکند بآقای مؤتمن الملك دیگر با اینکه معروف است لازم نیست که بنویسد آقای مؤتمن الملك بفرستد که این تلگراف برسد يك خرج فوق العاده بکند که این تلگراف برسد عقیده بنده این است که تا يك فکری برای تسهیل امور مردم نکنیم صحیح نیست که روز بروز قانون وضع کنیم برای اشکالات مردم ما امروز باید سهولت او را منظور داشته باشیم و هر روز قانون وضع نکنیم مشکلتی.

معاون - این ماده تولید شده است از ماده بعد چون در ماده بعد خواسته اند اختیار بدهند مردم که بتوانند اسم خودشانرا بطور اختصار بگویند که اداره برساند این ماده از آن تولید شده است که لابد بود يك ماده در مقابل این بنویسند که طرف

مقابل را بطور وضوح معین بکند اگر این ماده این جا نوشته نمی شد آن ماده هم لازم شود این نظرشان بعضی اشخاصیست که معروفند در يك شهری بله همین طور است اما خوب است نظر باین بکنند که الان اداره تلگرافخانه دچار چه اشکالاتیست الان يك براتی است میرسد ده هزار تومان طرف مقابل گمان میکند که این شخص در طهران خیلی معروف است و این شخص منزل خودش را تغییر میدهد مطلب و برات را که می آورد اینجا میبرد و عوضی می دهد یا اینکه تغییر لقب داده یا يك علقی پیدا کرده است بواسطه اینکه او دو کلمه را مضافه کرده است پول بدهد که این کار اشکال پیدا نکند اداره دچار می شود بيك مسؤولیتی که باید برود محاکمه شود و خسارت بدهد برای این کوتاهی و مضایقه ولی اساساً معلوم است اداره تلگراف مایل است که همیشه کارش جریان داشته باشد بعد از آنی که طرف مقابل بنویسد همین طوریکه فرمودند سپهبدار اعظم این را اداره البته فوراً میسراند مقصود از این ماده این است که اگر اسم شخصی را بطور وضوح معین نکرده بود باید معین بکند پس در این صورت لازم است که این ماده نوشته شود اما اعیان و اشراف در این شهر که ملاحظه میفرمائید سایر ولایات اینطور نیست که بتواند پیدا کند تاجر و کسبه هم در اواسط مملکت واقع هستند الان ما در داخله مملکت ترتیبی را که داریم که راجع است بزبان خارجه اگر اسم شخصی را بطور وضوح معین نکرده باشد اداره گرفتار خواهد شد همان تساجری که امروز این آدرس را بخارج مملکت هستند همان تاجر امروز آن آدرس را در پهلوی آن بداخله مملکت می دهند چطور می توانیم يك قانونی وضع کنیم در يك مسکنی که به تغییر زبان آن تغییر وضع و تغییر شکل بکنند و این ماده برای ما بد خیلی لازم است.

رئیس - رأی میگیریم بصلاح آقای ارباب آقایانی که قابل توجه می دانند قیام نمایند (تصویب شد)

ماده ۱۱ بامارت ذیل خوانده شد
ماده ۱۱ - اشخاصیکه خواسته باشند میتوانند آدرس خود را بطور اختصار در هر نقطه که هستند اداره تلگراف معرفی نمایند اداره هر سالی مبلغ سه تومان برای ثبت آدرس دریافت خواهد داشت.
ادیب التجار - این مسئله آدرس هم تا يك درجه تقلید از جاهای دیگر است تقلید هم از جاهای دیگر باشد در آنجا ترتیبی هست که این مسئله آدرس چندان اشکالاتی ندارد ولیکن در ایران آن شکل نیست مثلا در پاریس و وینه و شهرهای بزرگ که در کرور چهار کرور جمعیت دارد آدرس مختصری را معین کردن تولید زحمات برای اداره می کنند البته سالی يك چیزی مقرر است ولیکن در ایران باین ملاحظاتیکه در تسهیل امر تجارت داریم عرض میکنم در این ماده این سه تومان را مناسب نمیدانم بجهت اینکه شما می خواهید کار تاجر و تجارتخانه ها سهل و در رفاه باشند و امور آنها را تسهیل کنید و به پیش در عرض سال ده تلگراف دارد سه تومان باو تحویل میشود و سد ابواب تجارت میشود خیلی مضر است و بنده باین سه تومان همراه نیستیم.

افتخار الواعظین - خیلی آقای ادیب التجار موضوع را اشتباه می کنند این آدرس از برای

اشخاصیست که در روزی شاید بیست تلگراف برای آنها می آید و مثلا در تلگراف اگر می نویسند صدقانی در عوض باید بگویند فلانجا حاج محمد صادق صدقانی وجهه اینکه بتواند يك کلمه و صدقانی اکتفا بکند در سال سه تومان میدهد و در سال شاید از برای او پنج هزار تلگراف بیاید اگر آدرس او را در تلگرافخانه ثبت کرده باشند می گویند طهران صدقانی و اگر آدرس ثبت نشده باشد باید تلگراف کنند می گویند که طهران برای فلانجا حاج محمد صادق صدقانی در ازای چهار هزار کلمه که چهار هزار عباسی این شخص باید بدهد تمام قیمت آن چهار هزار کلمه را در سال باین آدم مصالحه کردند و می گویند شما آدرس بدهید که دیگر برای فلانجا نگویند حاج محمد صادق صدقانی نگویند طرف شما هر وقت گفت صدقانی مافوقاً اسم شمارا و محل و حجره شمارا تمام در دفتر ثبت میکنم تا تلگراف شمارا فوراً میدهم بفراش می گوئیم این تلگراف مال فلان آقا است منزلش هم فلانجا است برید برسانید در مقابل چهار هزار کلمه که باو در سال تخفیف داده اند سه تومان مسئله نیست و اما برای مثل بنده و آقای ادیب التجار که در سال شاید ده تلگراف می ماند آنجا آدرس لازم نیست و اما سه تومان بدهد ولی تلگراف کننده مجبور است که اقامتگاه و منزل را بطور وضوح باید بگوید

رئیس - گویا این فقره قابل التدر مذاکره نباشد - سه فقره پیشنهاد شده است خواننده می شود.

(۱) پیشنهاد آقا سید حسین اردبیلی بامارت ذیل قرائت شد.

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۱ مبلغ سه تومان بیافزوده قران تخفیف داده شود.

معاون وزارت پست - عرض می کنم که این ترتیب الان در معامله اداری معمول است و همین طور می گیرند.
آقا سید حسین اردبیلی - بله معمول شدن و متعارف شدن دلیل این نمیشود که این را معین کنیم این آدرس خودشانرا که بدهند بتلگرافخانه اسباب سهولت کار میشود و این خرج زیادی ندارد يك دفترتی خواهد بود در اداره تلگرافخانه و يك شخص مواظب اینکار خواهد بود که اسم او را با نمره بنویسد در دفتر و وقتیکه يك تلگرافی برای او می آید ملاحظه میکند نمره آدرس او را در دفتر پیدا می کند و در روی پاکت تلگرافی می نویسند و میدهد بفراش و فراش میتواند سهولت منزل طرف را پیدا بکند و برساند و این کار گویا معطلی زیادی نداشته باشد و آتھانی که طالب هستند که آدرس بتلگرافخانه بدهند چون قیمت و اجرت سهل باشد بیشتر حاضر میشوند و برا دولت هم يك فایده از اینجهت خواهد بود که جریان بکنند این مبلغی را که کم نکنند اینستکه بنده گمان میکنم که این مبلغ کافی است.

معاون - بله آنجا گویا يك کلمه داشت که گویا رفع تمام اشکالات را بکنند میتوانند یعنی اگر ميل داشته باشد میتواند این کار را بکند آنهايکيه معروفند باید که مطلبشان را برسانند و لازم نیست که آدرس بدهند آیا اینکه میفرمائید

در يك شهری دیگر اشخاص باقی نمی مانند بجهت اینکه اغلبشان معروفند این را باید نظر کرد که این اداره این ۳۰۰۰ تومان را برای چه میگیرد چه میکند بایستی يك دفترتی معین بکند برای این کار و يك آدم مخصوصی برای این کار که رسیدگی بکند فرض بفرمائید در سال ممکن است که این آدمیکه این آدرس را داده است ۳۰۰۰ درهمه منزل خودش را عوض کند باید اداره ۱۰۰۰۰ الاغ پیدا کند و اگر چنانچه این ۳۰۰۰ تومان را که میگیرد يك وقتی فراش باین که اسمش در آنجا ثبت است يك مطبوعی نبرد و نرساند یا تأخیر یا اشتباه بشود در نظامنامه داخلی يك مجازاتی برای او معین شده است که باو مخابرات داده میشود در سال سه تومان می گیرد برای صرف این کار و اینهم الان معمول است و ادار میگیرد

رئیس - رأی میگیریم اصلاح آقای اردبیلی را - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) قابل توجه نشد (۲) پیشنهاد آقای دکتر سعیدالاطباء مضمون ذیل خوانده شد.

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۱۱ این قسم نوشته شود. اشخاصیکه خواسته باشند می توانند آدرس خود را بطور اختصار در هر نقطه که هستند اداره تلگراف معرفی نمایند اداره در سال اول مبلغ سه تومان برای ثبت آدرس دریافت خواهد داشت و چنانچه در سنوات بعدا درس عوض نشد سالی يك تومان والا باز سه تومان دریافت خواهد کرد.

دکتر سعیدالاطباء - بنده تصور میکنم که در صورتی که در سال اول ۳ تومان داده است و آدرسش عوض نشده است لازم نیست که ۳ تومان بدهد بجهت اینکه زحمتی برای اداره ندارد تا اینکه ۳ تومان بگیرد اگر آدرس خود را عوض کرد آنوقت سه تومانرا بدهد.

رئیس - رأی میگیریم باین اصلاح آقای دکتر سعیدالاطباء آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) قابل توجه نشد.

(۳) پیشنهاد آقای آقا محمد بامارت ذیل خوانده شد - بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۱۱ چنین نوشته شود اشخاصیکه غیر معروف باشند اگر خواستند مالی آخره.

رئیس - توضیح دارید بفرمائید.
آقا محمد - توضیح لازم ندارد عرض بنده این بود که در سال پیش چون قید شد که باید بتوان و محل اقامت طرف خود را توضیح بدهد حالا بنده پیشنهاد کردم که اینجا بار آن شرط جزو شود که اگر غیر معروف باشد آدرس بدهد اگر معروف است لازم نیست.

شخص معروف در عرض سال پنج هزار تلگراف از برای او می آید و و یا زنده هزار کلمه باو تخفیف داده اند که گر آدرس نداده باشد باید طرفش بگوید فلانجا فلانکس ملقب فلان و در مقابل تمام این کلمات يك آدرس مختصری میدهد و برای ثبت در دفتر سه تومان داده میشود و بدیهی است که این برای اشخاص معروف است نه غیر معروف.

رئیس - رأی میگیریم باین اصلاح آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) (رد شد) (ماده ۱۲ بقرار ذیل قرائت شد) ماده ۱۲ قیمت مخابرات تلگرافی که بخط و زبان خارجه باشد در داخله مملکت باسم دولتی ده کلمه اول سه هزار و پانصد دینار و علاوه بر آن قیمت هر کلمه هفت شاهی.

مشیر حضور - بنده تصور میکنم که اینجا نوشته شده است که هر تلگرافی که بخط و زبان خارجه نوشته شد این خیلی محل است بنده پیشنهاد کردم که نوشته شود بزبان خارجه و خط لاتینی برای اینکه ممکن است که بزبان ژاپونی یا روسی یا زبان دیگر باشد که آن زبان را نمیشناسد و آن خط را هم نمیداند این تلگراف را که بخواهد مخابره نماید فقط آن خط باید خط لاتینی باشد و در هر جا معمول است که زبان هر زبانی که باشد فقط مخابره باید بخط لاتینی باشد.

(آقای لسان الحکماء در این موقع اجازه نطق خواسته بودند)

رئیس - آقای لسان الحکماء چون اصلاح پیشنهاد کرده اید و اصلاحات هم زیاد است در موقع خواندن پیشنهادتان توضیح بدهید.

(اصلاحات ذیل ترتیب خوانده شد) (۱) اصلاح آقای دکتر سعیدالاطباء قرائت شد.

(بنده پیشنهاد میکنم که ماده (۱۲) همچو نوشته شود که قیمت مخابرات تلگرافی که بخط و زبان خارجه نوشته باشد در داخله مملکت باسم دولتی باید کلیتاً پنجشاهی باشد)

(۲) از طرف آقای معز الملک (ماده ۱۲) قیمت مخابرات تلگرافی که بخط خارجه باشد در داخله مملکت باسم دولتی هر کلمه شاهی است.

(۳) از طرف دکتر رضا خان - این بنده پیشنهاد میکنم ماده (۱۲) مطابق ذیل باشد.

(ماده ۱۲) قیمت مخابرات تلگرافی که بخط و زبان خارجه باشد در داخله مملکت باسم دولتی هر کلمه شش شاهی است.
(۴) از طرف آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده در ماده (۱۲) بطریق ذیل پیشنهاد میکنم.
قیمت مخابرات تلگرافی که بخط و زبان خارجه باشد در داخله باسم دولتی هر کلمه شش شاهی است
(۵) از طرف شاهزاده لسان الحکماء - اصلاح ماده دوازده اینطور نوشته شود
قیمت مخابرات تلگرافی که بخط و زبان خارجه باشد در داخله ده کلمه اول سه هزار و پانصد دینار و علاوه بر آن قیمت هر کلمه هفت شاهی است.
(۶) از طرف دکتر اسمعیل خان - بنده پیشنهاد

میکنم که ماده (دوازده) باین قسم نوشته شود . (ماده ۱۲) قیمت مغایرات تلگرافی که بخط یازبان خارجه باشد در داخله مملکت باسم دولتی هرکله هفت شاهی است .

(۷) ازطرف آقای مشیرحضور . بنده پیشنهاد میکنم درماده (دوازده) تفرقه مغایرات تلگرافی جمله بخط و زبان خارجه چنین اصلاح شود بزبان خارجه و خط لاتینی .

رئیس - آقایان سیدالاطباء و دکتر حاج رضا خان و معزز الملک و آقای میرزا ابراهیم نمی پیشنهاد کرده اند که هرکله شش شاهی .

دکتر سعیدالاطباء - بنده پیشنهاد میکنم که این ماده را نیز به فرمائید .

رئیس - بله پنجشاهی است توضیح فرمائید **دکتر سعیدالاطباء** - بنده اولاً قدری مخالف هستم باین ماده که چندان تفاوتی داشته باشد خط خودمان باخط و زبان خارجه در صورتی که آقای معاون فرمائید که ادم لازم دارد مغارج دارد گمان نمیکند که بیشتر از یکشاهی تفاوت داشته باشد با کلمات خودمان که بخط فارسی است .

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای سعیدالاطباء آقایانکه موافقت و قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) رد شد

معاون - نظر بنده دراین اصلاح بدو فقره است یکی اینکه نوشته شده است تلگرافاتی که بخط و زبان خارجه باشد بنده تصور میکنم که دیگر زبان اینجا لازم نیست همینطور که ماده اول بخط فارسی است اینجا هم نوشته شود که بخط خارجه باشد و زبان فارسی آن باز درحکم تلگراف زبان خارجی است و یک مسئله هم آن قیمت شش شاهی است دراین یک تناسبی ملحوظ شده بود ما بین تلگرافاتی که بخط فارسی نوشته شده باشد و تلگرافاتی که بخط خارجه نوشته شود در اینجا پنج شاهی و هفت شاهی بود همان تناسبی که در آنجا بود باید در اینجا هم منظور شود آنجا که چهار شاهی باشد اینجا هم باید شش شاهی شود .

معاون - بنده باز افسوس میخورم که آقایان نظر بیوجه مملکت و بیوجه اداری نمیکند و آن مسئله اساسی است مطالبی است مطالبی که امروز ما داریم بزبان خارجه میبینم دهکله پنجهزار دهکله چهار هزار آخرین قیمت که سه هزار و پانصد دینار باشد در اینجا نوشته ایم و باید ملتفت بود که این مطلب یک مطلب خیلی مهمی است که همیشه باید در مد نظر گرفت که اگر چنانچه از یک مالیات معمول موجود صرف نظر بکنند خود مجلس شورای ملی باید یک مالیات غیر مستقیمی بر یک چیزی که معمول نیست به بند بجهت اینکه بودجه مملکت کفایت نمیکند و آرزو هم عرض کردم که عجاتانین تلگرافاتی را که دولت میکند الان مالیاتی خسارت میکشد تلگرافاتی که ما داریم از برای زبان خارجه معدودی هستند و اگر چنانچه بخواهیم قیمت تلگراف بزبان خارجه را کمتر از این نمائیم یک معظوری می افتیم و دیگر اینکه این اجزائی را که در اداره داریم اینها نمی توانست تلگرافات را بزبان خارجه بگویند برای اینکه ناچار اجزای دیگری آورده اینجا و مشغول هستند و منافع کلی میرند و در ولایات هم که هستند همین قسم روزی یک ساعت کار میکنند و

یک موجب تمام میگردد و این يك خسارت بزرگی است از برای دولت که اینجور مأمورین را باید نگاهدارد و این هم اجباری است برای اینکه این مغایرات بیشترش راجع است بسفرا که فقط بخط خارجه میباشد بزبان خارجه هم باشد برای اینکه تلگرافاتیکه میسرود زبان خارجه است و این مطلب راجع است بسفرا که میآید برود بداخله مملکت پس درینصورت وقتی که نقطه نظر را اینجا متوجه بکنیم که اداره هر دهکله پنجهزار و دهکله چهار هزار و دهکله سه هزار و ده شاهی است از اینجا میگردد حالا دهکله سه هزار و ده شاهی کرده است و مابقی را کسر کرده است قیمت این مغایرات را پس دراین صورت بنده گمان میکنم که این يك ضرر فاحش است که بدولت بدون جهت وارد میآید و ما خیلی میل داریم که مردم مطالب خودشان را بزبان داخله بخاربه کنند که سهل تر و بهتر خواهد بود.

معاون - استعفا میکنم که این پیشنهاد را نیز به فرمائید .

رئیس - تجزیه خواهم کرد اول رأی میگیریم درشش شاهی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) رد شد .

دکتر اسمعیل خان - بنده در ماده اول هم که قیمت پنجشاهی بر داشته شد و چهار شاهی رأی داده شد اجازه خواسته بودم نوبت بنده نرسید و الا گمان میکنم که آقایان با بنده موافق بودند که کمتر از پنجشاهی نباشد در موضوع کارهای اداری عایدات دولت را هیچ منظور نمیداریم اینجا در کمیسیون مذاکرات مفصل شد یکی در کمیسیونیکه آقا تشریف داشتند یکی در کمیسویی بود اینجا که عایدات دولت را تخفیفات فوق العاده داده است از هر جهت در بیاب مغایرات تلگرافی و این هم آنوقت بآن دلیل بود که همه ماها متقاعد شدیم که کلمه پنجشاهی باشد که تکافی بکنند با تخفیفات که در ایش چیزی داشته باشد و اینجا هم همین مسئله است تأسف میخورم که آنجا چهار شاهی گذشت و در اینجا هم عرض میکنم اداره تلگرافی که در خارجه هست آنجا گویا همه آقایان اطلاع دارند که خیلی مغارجش بیشتر است از مغارج سایر ادارات و بودجه اش غیر از مغارج دوائر داخله است بجهت اینکه حقوق اجزای داخله خیلی کم و حقوق و بودجه اجزای خارجه بل حقوق زیاد است باین دلیل بود که در کمیسیون نظر آقایان جلب شد باینکه آنطوریکه دهکله راهم که بر داشتیم درازای آن هم متعاهد شدیم که قیمت هرکله را هفت شاهی بگذاریم که خیلی تفاوت بکنند و صرفه دولت را ملاحظه و رعایت بکنند و گمان میکنم که آقایان هم با بنده همراه باشند که بودجه دولت تکافی بکنند و الا تکافی نخواهد کرد بودجه دولتی و همه ساله به کسر بودجه پیشنهاد خواهند کرد .

رئیس - چهار فقره پیشنهاد است یکی از آقای معزز الملک که پیشنهاد کرده اند که نوشته شود فقط فارسی و آقای لسانالحکماء و آقای دکتر اسمعیل خان پیشنهاد کرده اند که نوشته شود خطای زبان خارجه یکی هم آقای مشیرحضور که پیشنهاد کرده اند که نوشته شود بزبان خارجه و خط لاتینی - اول رأی میگیریم به پیشنهاد آقای معزز الملک که نوشته شود فقط فارسی آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند

قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) قابل توجه نشد بعد رأی میگیریم باصلاح دکتر اسمعیل خان و آقای لسانالحکماء . **دکتر اسمعیل خان** - اینکه اینجا قید شده است در باب خطوزبان خارجه خطفارسی را ممکن است بزبان خارجه مثل فرانسه و غیره بنویسند و در تلگراف مغایره بکنند و یا اینکه خودفرانسه را بخاربه بکنند و یا اینکه خط فرانسه را بنویسند بزبان فارسی یا اینکه خط و زبان فرانسه باشد هر دو یکی است فرق نمی کند . **رئیس** - اصلاحی هم آقای زنجانی کرده اند که نوشته اند غیر فارسی باشد حالا باصلاح دکتر اسمعیل خان و لسانالحکماء رأی میگیریم آقایانیکه موافق هستند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) قابل توجه شد رأی میگیریم باصلاح آقای مشیرحضور که بزبان خارجه و خط لاتینی باشد (مشیر حضور توضیح دارم) . **رئیس** - بیکر تبه که توضیح دادید دیگر مکرر که توضیح نمیشود آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) قابل توجه نشد - اصلاحی آقای زنجانی پیشنهاد کرده اند که تلگرافاتیکه بخط غیر فارسی باشد بهرکله سصد دینار بدهند . **آقا شیخ ابراهیم** - بنده اینجا نفهمیدم که مناط زبان است یا خط است یا هر دو ممکن است فارسی را بخط دیگر بخاربه کنند ممکن است زبان دیگری را بخط فارسی بخاربه بکنند اگر مناط بخط است باقی باید یکسان باشد ممکن است زبان دیگری را بخط فارسی بخاربه کنند اما مناط خط است یا زبان است یا هر دو اگر مناط خط و زبان فارسی است باقی باید یکسان باشد یا باید چهار قرار داد خط و زبان فارسی خط و زبان فرانسه خط فارسی پس چهار قسم شد این چهار فقره باید یک میزان باشد این بنده عقیده ام این است که خط مناط است پس باید هر چه فارسی باشد هر فارسی بکتر از آنچه غیر فارسی است و هر چه غیر فارسی است بیشتر از فارسی باشد از آنچه پیشنهاد کردم که غیر فارسی کاملاً سصد دینار باشد . **رئیس** - رأی میگیریم باین اصلاح آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) قابل توجه نشد . (ماده ۱۳) بمضمون ذیل قرائت شد . (۱۳) مواد این قانون دومه پس از امضاء در تمام مملکت مطابق نظامنامه اداره بوقوع اجراء گذاشته و قوانین سابقه راجعه باین مواد منسوخ خواهد شد . **معاون وزارت پست** - این ماده را آنوقت که در کمیسیون نوشته اند عرض کردم یک ماده هست راجع به تمبر که تمبر را فعلاً وقتیکه این قانون گذشت باید دستور العمل بدیم که یککدنی طول میکشد که لوازم اینکار و نظامنامه و دفاتری که برای اینکار تهیه شود باید در تمام نقاط ایران حاضر و موجود باشد تا اینکه بتوان یککده اعلام اینکار را بنمائیم پس در این صورت بنده گمان میکنم بتوان مدت برای اینکار معین کرد بعد از آنکه بصدقه هیونی رسید و از مجلس گذشت باید هر وقت اسباب اینکار فراهم شد اجراء بکنند .

قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) قابل توجه نشد بعد رأی میگیریم باصلاح دکتر اسمعیل خان و آقای لسانالحکماء . **دکتر اسمعیل خان** - اینکه اینجا قید شده است در باب خطوزبان خارجه خطفارسی را ممکن است بزبان خارجه مثل فرانسه و غیره بنویسند و در تلگراف مغایره بکنند و یا اینکه خودفرانسه را بخاربه بکنند و یا اینکه خط فرانسه را بنویسند بزبان فارسی یا اینکه خط و زبان فرانسه باشد هر دو یکی است فرق نمی کند . **رئیس** - اصلاحی هم آقای زنجانی کرده اند که نوشته اند غیر فارسی باشد حالا باصلاح دکتر اسمعیل خان و لسانالحکماء رأی میگیریم آقایانیکه موافق هستند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) قابل توجه شد رأی میگیریم باصلاح آقای مشیرحضور که بزبان خارجه و خط لاتینی باشد (مشیر حضور توضیح دارم) . **رئیس** - بیکر تبه که توضیح دادید دیگر مکرر که توضیح نمیشود آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) قابل توجه نشد - اصلاحی آقای زنجانی پیشنهاد کرده اند که تلگرافاتیکه بخط غیر فارسی باشد بهرکله سصد دینار بدهند . **آقا شیخ ابراهیم** - بنده اینجا نفهمیدم که مناط زبان است یا خط است یا هر دو ممکن است فارسی را بخط دیگر بخاربه کنند ممکن است زبان دیگری را بخط فارسی بخاربه بکنند اگر مناط بخط است باقی باید یکسان باشد ممکن است زبان دیگری را بخط فارسی بخاربه کنند اما مناط خط است یا زبان است یا هر دو اگر مناط خط و زبان فارسی است باقی باید یکسان باشد یا باید چهار قرار داد خط و زبان فارسی خط و زبان فرانسه خط فارسی پس چهار قسم شد این چهار فقره باید یک میزان باشد این بنده عقیده ام این است که خط مناط است پس باید هر چه فارسی باشد هر فارسی بکتر از آنچه غیر فارسی است و هر چه غیر فارسی است بیشتر از فارسی باشد از آنچه پیشنهاد کردم که غیر فارسی کاملاً سصد دینار باشد . **رئیس** - رأی میگیریم باین اصلاح آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) قابل توجه نشد . (ماده ۱۳) بمضمون ذیل قرائت شد . (۱۳) مواد این قانون دومه پس از امضاء در تمام مملکت مطابق نظامنامه اداره بوقوع اجراء گذاشته و قوانین سابقه راجعه باین مواد منسوخ خواهد شد . **معاون وزارت پست** - این ماده را آنوقت که در کمیسیون نوشته اند عرض کردم یک ماده هست راجع به تمبر که تمبر را فعلاً وقتیکه این قانون گذشت باید دستور العمل بدیم که یککدنی طول میکشد که لوازم اینکار و نظامنامه و دفاتری که برای اینکار تهیه شود باید در تمام نقاط ایران حاضر و موجود باشد تا اینکه بتوان یککده اعلام اینکار را بنمائیم پس در این صورت بنده گمان میکنم بتوان مدت برای اینکار معین کرد بعد از آنکه بصدقه هیونی رسید و از مجلس گذشت باید هر وقت اسباب اینکار فراهم شد اجراء بکنند .

میکم که غیر از قانونیکه وضع شده است راجع بتخفیف مغایره مطبوعات باز قوانینی بوده است که قوانین سابقه بکوبند یا اینکه مقصودشان نظامنامه های سابق است . **معاون** - اینجا قوانینیکه نوشته شده است راجع بآن چیزهایی که در ادار معمول است موافق مواد سابقه و دستخطهای همایونیکه در اداره ترتیب داده اند منسوخ میشود . **مختصر السلطان** - راجع بمغایرات مطبوعات ذکر شد که آن ابدی است و هیچ نباید در اینجا ذکر بشود . **معاون** - در اینجا ذکر از این باب نشده است مطابق قانونیکه از مجلس گذشته است معمول میدارند . **حاجی عز الممالک** - بنده هم میخواستم عرض کنم که چون تا بحال قوانینی برای تلگراف وضع نشده است اینجا قوانین نباشد نوشته معمولات سابقه را . **دکتر اسمعیل خان** - تمام چیزهاییکه تا کنون معمول بوده است مستند یک سستی بوده است یا از حيث دستخطهای دولتی یا چیز دیگری بوده است تمام اینها در مملکت قانون بوده است قوانین راجعه باین موضوع را ملاحظه فرمائید که راجع بمسئله جواب و سؤال بوده است که هر کس یک تلگرافی سؤال بکند از یک نقطه این یکی از آنها را منسوخ میکنند و یکی دیگر (شهر) جزو کلمه محسوب نبوده است این را منسوخ میکنند اینجور چیزها که تا کنون در اداره تلگرافخانه معمول بوده است منسوخ میشود و اینکه آقایان میفرمایند یک قانونی نوشته شده است در باب مغایرات جرید و غیره آن یک قانونی بوده است که از مجلس گذشته است این منم آن قانون بوده و منافاتی با آن ندارد و اینکه آقای معاون فرمودند که دو ماه کم است و در کمیسیون هم مذاکره کرده اند در کمیسیون عرض کردم که فقط اینجا مسئله تمبر است که یککدنی اشکال پیدا میکند که تا وقتیکه تمبر برایشان فراهم بیاید ششماه طول میکشد این مسئله تمبر را ممکن است ششماه دیگر بوقوع اجراء بگذارند ولی سایر موادش که هم اسباب سهولت ادارات دولتی است و هم اسباب سهولت کار مردم است گمان میکنم که هر چه زودتر بوقوع اجراء بگذارند بهتر است . **معاون** - عرض میکنم که در یک ماده نوشته شده است که در اوراق آن ماده راجع به تمبر نوشته شود والبته وقتیکه چاپ شد چون اصل عمده آن ترتیب بودجه کامل به نظر بنده راجع به تمبر است و مردم وقتیکه فهمیدند که یک تمبری الصان میشود هر چه بولی نمیدهند مگر اینکه تمبر باومصلق باشد آنوقت بدهند در این صورت این تمبر هم باید یککدنی داشته باشد تا حاضر بشود بجهت اینکه هیچ نمیشود ملزم کرد دولت را که این قانون در فلان تاریخ بوقوع اجراء برسد و اینکه فرمودند ششماه هزار احتمالات میدهد بجهت اینکه چه بساست که تمبر ممکن نشد بدست مبنی وارد شود یا اینکه بولایات ما اسباب او را فرستادیم در پین راه دزد برد هیچ نمیتوانیم ملزم بشویم که این قانون را در فلان مدت بوقوع اجراء بگذاریم البته این پیشنهاد است که وزارت تلگراف کرده است و تأکید میکند

در اینکه اسباب اینکار فراهم شود ممکن است که موافقت حاصل بکنند که پس از سه ماه هم بوقوع اجراء برسد . **رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد آقای فهیم الملک پیشنهاد کرده اند که بجای امضاء اعلان نوشته شود توضیح در این باب . **فهیم الملک** - قانون راه مینظوریکه گفته شد نمیتوان گفت که بعد از امضاشن بوقوع اجراء برسد باید وزارتخانه اسباب او را تهیه کند و نظامنامه او را بنویسند و بعد از آن باید اعلان بکنند که با اطلاع عمومی برسد و مردم مطلع بشوند که نکات این قانون چیست بعد از ملتفت شدن عامه مردم آنوقت بوقوع اجراء بگذارند اینستکه بنده تقاضا کرده ام بجای امضاء اعلام بنویسند حالا که در ماه راز یاد بدانند یا کم بدانند آن مطلبی است علیحده نمیتوان معین کرد که تا دو ماه دیگر اجراء میشود ممکن است که در این مدت در بعضی نقاط مردم ملتفت نشوند و ممکن است اسباب آن فراهم نیاید و ممکن نشود از برای وزارت که اجراء کند بعد اعلان میکنند و مردم هم ملتفت میشوند و اجراء می شود . **رئیس** - رأی میگیریم باصلاح آقای فهیم الملک آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام کنند (اغلب قیام نمودند) قابل توجه شد . - آقای اردبیلی پیشنهاد کرده اند که بعضی قوانین قواعد نوشته شود . **افتخار الواعظین** - کمیسیون قبول دارد . **رئیس** - چند نفر از آقایان ماده العاقبه پیشنهاد کرده اند قرائت میشود . (دو فقره از طرف آقای ادیب التجار بمضمون ذیل قرائت شد) (۱) بنده پیشنهاد میکنم ماده ذیل باسم ماده العاقی ضمیمه شود (ماده العاقی) در تلگرافات تجارتی رمز مجاز است . **رئیس** - اینجا دو پیشنهاد است اولی برای تجارت است - دومی نیست کدام را پیشنهاد کرده اند . **ادب التجار** - چون امر تجارت یک امری است که باید مستور باشد یعنی منافع تجارت از مطالب تجارتی باید مستور باشد و مخصوصاً وضع تلگرافخانهها نظر بسابقه که بوده است یک قدری بی نظم بوده و مطالب افشا میشده است و برای تجارت تأمین نبوده است بنده این مسئله اختیار رمز را بجهت منافع تجارتی مملکت لازم میدانم و اگر تصور فرمائید که شاید یک معضوری در این اختیار رمز دادن شاید یک وقتی متوجه شود اولاً آن در مطالب تجارتی ممکن نیست تا نباشد حکومت بنا آن مراقبتی که در امور دارد باید جلوگیری بکند و انگهی ممکن است که بطور مکتوب هم این القات از آن نقطه براجع فساد شود بفاصله خیلی کم اینست که بنده بنا بر این توضیحاتیکه دادم اختیار رمز را بختار و گذار کردم و امیدوارم مجلس قبول فرماید . **معاون** - بنده گمان میکنم که آقای ادیب التجار این ماده را که در اینجا پیشنهاد و الحاق میکنند بواسطه این است که مواد این تفرقه (۱۳) تا است خواستند چهارده تا بشود بنده برعکس این ماده را پیشنهاد میکنم .

میکم که غیر از قانونیکه وضع شده است راجع بتخفیف مغایره مطبوعات باز قوانینی بوده است که قوانین سابقه بکوبند یا اینکه مقصودشان نظامنامه های سابق است . **معاون** - اینجا قوانینیکه نوشته شده است راجع بآن چیزهایی که در ادار معمول است موافق مواد سابقه و دستخطهای همایونیکه در اداره ترتیب داده اند منسوخ میشود . **مختصر السلطان** - راجع بمغایرات مطبوعات ذکر شد که آن ابدی است و هیچ نباید در اینجا ذکر بشود . **معاون** - در اینجا ذکر از این باب نشده است مطابق قانونیکه از مجلس گذشته است معمول میدارند . **حاجی عز الممالک** - بنده هم میخواستم عرض کنم که چون تا بحال قوانینی برای تلگراف وضع نشده است اینجا قوانین نباشد نوشته معمولات سابقه را . **دکتر اسمعیل خان** - تمام چیزهاییکه تا کنون معمول بوده است مستند یک سستی بوده است یا از حيث دستخطهای دولتی یا چیز دیگری بوده است تمام اینها در مملکت قانون بوده است قوانین راجعه باین موضوع را ملاحظه فرمائید که راجع بمسئله جواب و سؤال بوده است که هر کس یک تلگرافی سؤال بکند از یک نقطه این یکی از آنها را منسوخ میکنند و یکی دیگر (شهر) جزو کلمه محسوب نبوده است این را منسوخ میکنند اینجور چیزها که تا کنون در اداره تلگرافخانه معمول بوده است منسوخ میشود و اینکه آقایان میفرمایند یک قانونی نوشته شده است در باب مغایرات جرید و غیره آن یک قانونی بوده است که از مجلس گذشته است این منم آن قانون بوده و منافاتی با آن ندارد و اینکه آقای معاون فرمودند که دو ماه کم است و در کمیسیون هم مذاکره کرده اند در کمیسیون عرض کردم که فقط اینجا مسئله تمبر است که یککدنی اشکال پیدا میکند که تا وقتیکه تمبر برایشان فراهم بیاید ششماه طول میکشد این مسئله تمبر را ممکن است ششماه دیگر بوقوع اجراء بگذارند ولی سایر موادش که هم اسباب سهولت ادارات دولتی است و هم اسباب سهولت کار مردم است گمان میکنم که هر چه زودتر بوقوع اجراء بگذارند بهتر است . **معاون** - عرض میکنم که در یک ماده نوشته شده است که در اوراق آن ماده راجع به تمبر نوشته شود والبته وقتیکه چاپ شد چون اصل عمده آن ترتیب بودجه کامل به نظر بنده راجع به تمبر است و مردم وقتیکه فهمیدند که یک تمبری الصان میشود هر چه بولی نمیدهند مگر اینکه تمبر باومصلق باشد آنوقت بدهند در این صورت این تمبر هم باید یککدنی داشته باشد تا حاضر بشود بجهت اینکه هیچ نمیشود ملزم کرد دولت را که این قانون در فلان تاریخ بوقوع اجراء برسد و اینکه فرمودند ششماه هزار احتمالات میدهد بجهت اینکه چه بساست که تمبر ممکن نشد بدست مبنی وارد شود یا اینکه بولایات ما اسباب او را فرستادیم در پین راه دزد برد هیچ نمیتوانیم ملزم بشویم که این قانون را در فلان مدت بوقوع اجراء بگذاریم البته این پیشنهاد است که وزارت تلگراف کرده است و تأکید میکند

میکم که غیر از قانونیکه وضع شده است راجع بتخفیف مغایره مطبوعات باز قوانینی بوده است که قوانین سابقه بکوبند یا اینکه مقصودشان نظامنامه های سابق است . **معاون** - اینجا قوانینیکه نوشته شده است راجع بآن چیزهایی که در ادار معمول است موافق مواد سابقه و دستخطهای همایونیکه در اداره ترتیب داده اند منسوخ میشود . **مختصر السلطان** - راجع بمغایرات مطبوعات ذکر شد که آن ابدی است و هیچ نباید در اینجا ذکر بشود . **معاون** - در اینجا ذکر از این باب نشده است مطابق قانونیکه از مجلس گذشته است معمول میدارند . **حاجی عز الممالک** - بنده هم میخواستم عرض کنم که چون تا بحال قوانینی برای تلگراف وضع نشده است اینجا قوانین نباشد نوشته معمولات سابقه را . **دکتر اسمعیل خان** - تمام چیزهاییکه تا کنون معمول بوده است مستند یک سستی بوده است یا از حيث دستخطهای دولتی یا چیز دیگری بوده است تمام اینها در مملکت قانون بوده است قوانین راجعه باین موضوع را ملاحظه فرمائید که راجع بمسئله جواب و سؤال بوده است که هر کس یک تلگرافی سؤال بکند از یک نقطه این یکی از آنها را منسوخ میکنند و یکی دیگر (شهر) جزو کلمه محسوب نبوده است این را منسوخ میکنند اینجور چیزها که تا کنون در اداره تلگرافخانه معمول بوده است منسوخ میشود و اینکه آقایان میفرمایند یک قانونی نوشته شده است در باب مغایرات جرید و غیره آن یک قانونی بوده است که از مجلس گذشته است این منم آن قانون بوده و منافاتی با آن ندارد و اینکه آقای معاون فرمودند که دو ماه کم است و در کمیسیون هم مذاکره کرده اند در کمیسیون عرض کردم که فقط اینجا مسئله تمبر است که یککدنی اشکال پیدا میکند که تا وقتیکه تمبر برایشان فراهم بیاید ششماه طول میکشد این مسئله تمبر را ممکن است ششماه دیگر بوقوع اجراء بگذارند ولی سایر موادش که هم اسباب سهولت ادارات دولتی است و هم اسباب سهولت کار مردم است گمان میکنم که هر چه زودتر بوقوع اجراء بگذارند بهتر است . **معاون** - عرض میکنم که در یک ماده نوشته شده است که در اوراق آن ماده راجع به تمبر نوشته شود والبته وقتیکه چاپ شد چون اصل عمده آن ترتیب بودجه کامل به نظر بنده راجع به تمبر است و مردم وقتیکه فهمیدند که یک تمبری الصان میشود هر چه بولی نمیدهند مگر اینکه تمبر باومصلق باشد آنوقت بدهند در این صورت این تمبر هم باید یککدنی داشته باشد تا حاضر بشود بجهت اینکه هیچ نمیشود ملزم کرد دولت را که این قانون در فلان تاریخ بوقوع اجراء برسد و اینکه فرمودند ششماه هزار احتمالات میدهد بجهت اینکه چه بساست که تمبر ممکن نشد بدست مبنی وارد شود یا اینکه بولایات ما اسباب او را فرستادیم در پین راه دزد برد هیچ نمیتوانیم ملزم بشویم که این قانون را در فلان مدت بوقوع اجراء بگذاریم البته این پیشنهاد است که وزارت تلگراف کرده است و تأکید میکند

مینظور که میفرمایند اطلاق اجرای تلگرافخانه هم همین حالا دارد بنده گمان میکنم که هیچ طور مجلس شورای ملی با این اقتشاشات که در مملکت است اختیار رمز را غیر از دولت نتواند بکسی بدهد زیرا که تجار میتوانند مطالب خودشان را همه قسم بنویسند مطالب زبان خارجه داویم زبان داخله داریم اگر چنانچه در تلگرافخانه یک عیبی دیدند نباید او را یک ترتیبی بدهند که آن یک ترتیب بسیار بزرگی پیدا بکند باید اجزاء او را همین آقایان تجار اگر از آنها یک حرکت سوتی دیدند باخلاق خوب و اداری بکنند البته مطالب باید مستور باشد یک مطلب خلاقی اگر از آنها دیدند امروز که مملکت مشروطه هست باید شکایت و اخطار بکنند بآن اداره آن مأموران را یاورند مجازات بکنند تا اینکه بتوانند اجزاء اداره اخلاقی صحیح بشود نه اینکه یک حرکت سوتی را یک چیزی تبدیل بکنیم که او در این موقع خیلی فسادش بیشتر باشد بنده برعکس این پیشنهاد را میکنم که رمز را هیچکس نمیتواند بگوید مگر مأمورین دولت که در رمز مختارند . **حاج شیخ اسدالله** - بعد از این بیان آقای معاون دیگر بنده محتاج باظهار نمیدانم که رمز تولید فساد خواهد کرد این رمز یک چیزی است در مغایرات تلگرافی که باید از مختصات دولت باشد و بسا هست که تجار آنوقت بواسطه همین بانه رمز تجارتی بسی از مطالب را در مقام اطلاعات و مراکراتش بر میآیند که شاید مایبت داشته باشد اما اقتشاشات مملکت را عرض میکنم باین است که اوضاع حالیه را عرض میکنم که رمز نباید باشد الا آنکه اصل رمز را از مختصات دولت بدانیم و اختیار رمز را نباید بدست احدی بدهیم که سوء اثر دارد و نتیجه خوب از این ماده که پیشنهاد شده است اگر بگذرد بعد از این نخواهیم برد . **آقای میرزا احمد** - بنده نظر میآید که در قانون مطبوعات سابقاً رمز اجازه داده شده است برای اینکه در آنجا نوشته اند اگر غیر از رمز باشد نصف قیمت و اگر رمز باشد تمام قیمت داده میشود همچنین بنظر میآید که اختیار رمز داده شده است و اینکه فرمودید از بابت زیادتی اقتشاشات لازم میدانم عرض کنم که اقتشاش در بین نیست که اسباب زیادتی آن بشود . **معاون** - ایداً در آن قانونیکه نوشته شده است مذاکره از رمز نیست سه ماده نوشته شده است و ذکر از رمز هم نیست . **رئیس** - پس اگر اینطور است بهتر این است برستم بکمیسیون که ببینند اگر همچو مطلبی هست برخلاف آن قانون وضع شود شور اول همین قانون تم شد . دستور سه جلسه آینده - دستور سه شنبه (۲۴) بودجه مجلس شورای ملی برای سال تسکوز نیل را بپورت کمیسیون بودجه راجع بخانوار مرحوم حجه الاسلام بهبهانی . ایضاً راپورت کمیسیون بودجه راجع به یوسف بجاهد . دستور پنجشنبه (۲۶) - لایحه تقشیه راپورت کمیسیون قوانین ماله راجع بحقوق متوات که از دو تومان کمتر است .

مینظور که میفرمایند اطلاق اجرای تلگرافخانه هم همین حالا دارد بنده گمان میکنم که هیچ طور مجلس شورای ملی با این اقتشاشات که در مملکت است اختیار رمز را غیر از دولت نتواند بکسی بدهد زیرا که تجار میتوانند مطالب خودشان را همه قسم بنویسند مطالب زبان خارجه داویم زبان داخله داریم اگر چنانچه در تلگرافخانه یک عیبی دیدند نباید او را یک ترتیبی بدهند که آن یک ترتیب بسیار بزرگی پیدا بکند باید اجزاء او را همین آقایان تجار اگر از آنها یک حرکت سوتی دیدند باخلاق خوب و اداری بکنند البته مطالب باید مستور باشد یک مطلب خلاقی اگر از آنها دیدند امروز که مملکت مشروطه هست باید شکایت و اخطار بکنند بآن اداره آن مأموران را یاورند مجازات بکنند تا اینکه بتوانند اجزاء اداره اخلاقی صحیح بشود نه اینکه یک حرکت سوتی را یک چیزی تبدیل بکنیم که او در این موقع خیلی فسادش بیشتر باشد بنده برعکس این پیشنهاد را میکنم که رمز را هیچکس نمیتواند بگوید مگر مأمورین دولت که در رمز مختارند . **حاج شیخ اسدالله** - بعد از این بیان آقای معاون دیگر بنده محتاج باظهار نمیدانم که رمز تولید فساد خواهد کرد این رمز یک چیزی است در مغایرات تلگرافی که باید از مختصات دولت باشد و بسا هست که تجار آنوقت بواسطه همین بانه رمز تجارتی بسی از مطالب را در مقام اطلاعات و مراکراتش بر میآیند که شاید مایبت داشته باشد اما اقتشاشات مملکت را عرض میکنم باین است که اوضاع حالیه را عرض میکنم که رمز نباید باشد الا آنکه اصل رمز را از مختصات دولت بدانیم و اختیار رمز را نباید بدست احدی بدهیم که سوء اثر دارد و نتیجه خوب از این ماده که پیشنهاد شده است اگر بگذرد بعد از این نخواهیم برد . **آقای میرزا احمد** - بنده نظر میآید که در قانون مطبوعات سابقاً رمز اجازه داده شده است برای اینکه در آنجا نوشته اند اگر غیر از رمز باشد نصف قیمت و اگر رمز باشد تمام قیمت داده میشود همچنین بنظر میآید که اختیار رمز داده شده است و اینکه فرمودید از بابت زیادتی اقتشاشات لازم میدانم عرض کنم که اقتشاش در بین نیست که اسباب زیادتی آن بشود . **معاون** - ایداً در آن قانونیکه نوشته شده است مذاکره از رمز نیست سه ماده نوشته شده است و ذکر از رمز هم نیست . **رئیس** - پس اگر اینطور است بهتر این است برستم بکمیسیون که ببینند اگر همچو مطلبی هست برخلاف آن قانون وضع شود شور اول همین قانون تم شد . دستور سه جلسه آینده - دستور سه شنبه (۲۴) بودجه مجلس شورای ملی برای سال تسکوز نیل را بپورت کمیسیون بودجه راجع بخانوار مرحوم حجه الاسلام بهبهانی . ایضاً راپورت کمیسیون بودجه راجع به یوسف بجاهد . دستور پنجشنبه (۲۶) - لایحه تقشیه راپورت کمیسیون قوانین ماله راجع بحقوق متوات که از دو تومان کمتر است .

مینظور که میفرمایند اطلاق اجرای تلگرافخانه هم همین حالا دارد بنده گمان میکنم که هیچ طور مجلس شورای ملی با این اقتشاشات که در مملکت است اختیار رمز را غیر از دولت نتواند بکسی بدهد زیرا که تجار میتوانند مطالب خودشان را همه قسم بنویسند مطالب زبان خارجه داویم زبان داخله داریم اگر چنانچه در تلگرافخانه یک عیبی دیدند نباید او را یک ترتیبی بدهند که آن یک ترتیب بسیار بزرگی پیدا بکند باید اجزاء او را همین آقایان تجار اگر از آنها یک حرکت سوتی دیدند باخلاق خوب و اداری بکنند البته مطالب باید مستور باشد یک مطلب خلاقی اگر از آنها دیدند امروز که مملکت مشروطه هست باید شکایت و اخطار بکنند بآن اداره آن مأموران را یاورند مجازات بکنند تا اینکه بتوانند اجزاء اداره اخلاقی صحیح بشود نه اینکه یک حرکت سوتی را یک چیزی تبدیل بکنیم که او در این موقع خیلی فسادش بیشتر باشد بنده برعکس این پیشنهاد را میکنم که رمز را هیچکس نمیتواند بگوید مگر مأمورین دولت که در رمز مختارند . **حاج شیخ اسدالله** - بعد از این بیان آقای معاون دیگر بنده محتاج باظهار نمیدانم که رمز تولید فساد خواهد کرد این رمز یک چیزی است در مغایرات تلگرافی که باید از مختصات دولت باشد و بسا هست که تجار آنوقت بواسطه همین بانه رمز تجارتی بسی از مطالب را در مقام اطلاعات و مراکراتش بر میآیند که شاید مایبت داشته باشد اما اقتشاشات مملکت را عرض میکنم باین است که اوضاع حالیه را عرض میکنم که رمز نباید باشد الا آنکه اصل رمز را از مختصات دولت بدانیم و اختیار رمز را نباید بدست احدی بدهیم که سوء اثر دارد و نتیجه خوب از این ماده که پیشنهاد شده است اگر بگذرد بعد از این نخواهیم برد . **آقای میرزا احمد** - بنده نظر میآید که در قانون مطبوعات سابقاً رمز اجازه داده شده است برای اینکه در آنجا نوشته اند اگر غیر از رمز باشد نصف قیمت و اگر رمز باشد تمام قیمت داده میشود همچنین بنظر میآید که اختیار رمز داده شده است و اینکه فرمودید از بابت زیادتی اقتشاشات لازم میدانم عرض کنم که اقتشاش در بین نیست که اسباب زیادتی آن بشود . **معاون** - ایداً در آن قانونیکه نوشته شده است مذاکره از رمز نیست سه ماده نوشته شده است و ذکر از رمز هم نیست . **رئیس** - پس اگر اینطور است بهتر این است برستم بکمیسیون که ببینند اگر همچو مطلبی هست برخلاف آن قانون وضع شود شور اول همین قانون تم شد . دستور سه جلسه آینده - دستور سه شنبه (۲۴) بودجه مجلس شورای ملی برای سال تسکوز نیل را بپورت کمیسیون بودجه راجع بخانوار مرحوم حجه الاسلام بهبهانی . ایضاً راپورت کمیسیون بودجه راجع به یوسف بجاهد . دستور پنجشنبه (۲۶) - لایحه تقشیه راپورت کمیسیون قوانین ماله راجع بحقوق متوات که از دو تومان کمتر است .

دستور شنبه (۲۸) قانون قبول و نکول پروات شور دویم قانون استخدام از کمیسیون عدلیه خواست میبکند که این قانون قبول و نکول پروات را هر چه زودتر بفرستند که جزء دستور شنبه ۲۸ است.

حاج شیخ الرئیس - بنده استعفا میبکند که قانون قبول و نکول پروات را هر چه زودتر در تحت مذاکره بیاوریم زیرا که جمعی از تجار به کمیسیون عدلیه تظلمات کرده اند که خیلی صدمه به تجارتشان وارد شده است و منتظر گذشتن این قانون هستند.

رئیس - این را باید بکمیسیون عدلیه بفرمائید که هنوز رایورتش را نداده اند - از کمیسیون تقصیر خواهش کرده ام که منعقد شود نشده است و خواهش میبکند فردا که یکشنبه است دوساعت بفروپ منعقد شود بعضی کارهای فوری داریم.

آقا شیخ ابراهیم - طرف صبح منعقد خواهد شد. **رئیس** - فردا صبح ممکن نیست طرف عصر منعقد شود.

آرباب کیخسرو - چون بودجه مجلس جزء دستور سه شنبه شده است خواهش میبکند که آن صورت محاسبه سه گذشته هم جزو دستور پنجشنبه بشود که هر دو بگذرد که بنده باید بوزارت ماله صورت بدهم.

رئیس - آن صورت تفریح بودجه ایت ایلم است گویا پنج دقیقه بیشتر طول نداشته باشد ممکن است جزء دستور پنجشنبه قرار بدهیم.

آقای میرزا احمد - بنده در جلسه گذشته در خصوص لایحه تجزیه بلوچستان از کرمان عرض و خواهش کردم که برای شنبه ۲۸ جزء دستور شود نبدانم چرا جزء دستور نشده است.

رئیس - جزء دستور شنبه بیست و هشتم می گذاریم.

آقای میرزا ابراهیم قمی - در جزء دستور پنجشنبه خوب است مسئله آقا سیدملینی جزو دستور معین شود اگر وقت نیست بماند برای روز شنبه.

رئیس - دستور روز شنبه بیست و هشتم قانون قبول و نکول پروات و قانون استخدام است مسئله راجحه به سید علی بنی را برای روز های بعد پیشنهاد کنند.

آقای میرزا مرتضی قلیخان - آقایان مسوق هستند که بنده خیلی کم داخل مذاکرات بشوم مگر چیزیکه اند لزوم را پیدا بکنم و امروز بنده یک چیزی دیدم که خیلی لازم است که اینجا بفرش آقایان برسانم بجهت اینکه این بفرش آقایان بر میخورد و آن اینست که در روزنامه امروز دیدم که یک چیزی نوشته شده است که آقای رئیس دو مرتبه بعموم اکثریت اخطار کرده است یکمرتبه با اکثریت عموماً و یکمرتبه بجای شیخ اسدالله خصوصاً چون بنده اینجا بودم باین جهت لازم شد که عرض کنم که تصور میبکند که این مطلب لازم نبوده است در روزنامه نوشته شود و خیلی مناسب میدانم که در این موقع این دو کلمه را عرض کنم که یک روزنامه شریفه کورسماً در این مملکت (ارگان) یک حزب محترم سیاسی است خیلی باید درین باب نزاکت و ملاحظه رفتار

کند خصوصاً در مذاکراتیکه راجع بمجلس شورای ملی است بنده در سایر مذاکرات داخل نمیشوم داخل در این مذاکرات مجلس شورای ملی میشوم که باید در آنچه که راجع بمذاکرات است عین آنچه که واقع شده است و عین مذاکرات است نوشته شود نهایت بعضی بطور صومی نوشته شود و بعضی بطور خصوصی حالا از آقای رئیس استعفا میبکند که درین باب اگر دو مرتبه با اکثریت اخطار کرده اند که محتاج بدو مرتبه اخطار شده است که بفرمائید و بنده هم تصدیق میبکند و اگر غیر از این است مستعفی هستم آنچه بیان واقع بوده است بفرمائید.

رئیس - اولاً عرض میبکند بیک هیئت اخطار نمیشود شخصی واحد باید اخطار شود و بهیشتی اگر باید اخطار شود باشخص یک یک اخطار میشود و عرض میبکند که ما نباید مندرجات یک روزنامه را وسیله قرار بدهیم و آن را مطرح مذاکره بنمائیم برای اینکه هر روزنامه باشد غیر از روزنامه رسمی رسبت ندارد هر چه بخواهد بنویسد و اگر بخواهد درباره او اقدامات بکنید مختارید و ربطی بنده ندارد ولی در مجلس نمیشود مندرجات یک روزنامه غیر رسمی را وسیله قرار داداز برای اینکه در مجلس اظهارات بکنند.

(مجلس یک ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

ملاحظه شد (۲۸) جمادی اولی ۱۳۲۹ **فهم الملک** با صورت مشروح پس از ملاحظه نمایندگان محترم و اصلاح حضرت آقا فهم الملک مقابله شده صحیح است.

جلسه ۲۵۰
صورت مشروح روز ۳ شنبه ۲۴
شهر جمادی الاولی ۱۳۲۹

صورت جلسه یوم ۳ شنبه بیست و چهارم شهر جمادی الاولی ۱۳۲۹
رئیس - آقای مؤتمن الملک ۳ ساعت و ۴۵ دقیقه قبل از غروب بکرسی ریاست جلوس و سه ساعت و نیم قبل از غروب مجلس را رسماً منعقد فرمودند.

آقای معاضد الملک صورت جلسه قبل را قرائت کردند.

(غائبین جلسه قبل)
آقایان معاضد السلطنه - حاج وکیل الرعایا میرزا علی اکبر خان دهخدا - اسدالله خان کردستانی بدون اجازه.

آقایان ذکاء الملک - حاج محمد کریم خان قشقایی با اجازه.
آقایان معین الرعایا - بهجت - نیر السلطان هر یک نیم ساعت بعد از وقت مقرر و آقایان طباطبائی و حاج آقا ه ه دقیقه و آقای ناصر الاسلام پنجده دقیقه بعد از وقت مقرر حاضر شدند و آقای نجم آبادی یک ساعت بعد از وقت مقرر حاضر شدند.

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست؟

فهم الملک - در صورت مجلس در ضمن سؤال بنده از وزارت داخله نوشته شده است که بنده عرض کردم حکومتی که برای عراق فرستادند و حال آنکه بنده عرض کردم از ابتدای مشروطه الی الان حکامیکه برای عراق فرستاده اند مقصود بنده یک حکومت مدین نبود.

رئیس - اصلاح میشود.

آرباب التجار - سؤال بنده منحصر بسکرات تنها نبود بسکرات و منتهیات شرعیه بود.

رئیس - اصلاح میشود. ملاحظاتی دیگری نیست. (اظهاری نشد) قبل از این که داخل در دستور شویم بعضی عرایضی است که لازم است عرض شود خاطر آقایان مستعضر است که چندی قبل آقای آیت الله مازندرانی کافغنی مرقوم فرموده بودند راجع به فصل محاسنات شرعیه از مراجعات عرفیه بنشاند مرقومه ایشان برود به کمیسیون با حضور آقای وزیر عدلیه مذاکره بشود و جوابی که از طرف مجلس نوشته می شود آنجا رسیدگی کنند و ببینند اگر تصویب کردند در مجلس قرائت بشود و پس از تصویب مجلس فرستاده شود حالا آن کافغ از کمیسیون آمده است بدو مرقومه آقای آیت الله خوانده می شود بعد جواب خوانده خواهد شد (کافغ آقای آقا شیخ عبدالله مازندرانی بعبارت ذیل قرائت شد.)

ب توسط هیئت معظه مجتهدین عظام اعضاء ایدم الله تعالی.
به مجلس محترم شورای ملی شیدالله ارکانه وزارت جلیه عدلیه دامت تالیذاته بمذاذ دعا معروض میدارد در دوره سابقه که فصل ۲۷ قانون اساسی بطوری که باید دقائق لازمه را مراجعات نمود و فصل خصومات شرعیه را بمحاکم شرعیه و تصدی حکام شرع مسلم الاجتهاد و الماده مرکول و سایر خصومات سیاسی مملکتی را بمهله محاکم عرفیه نظامیه برگردان کرده چقدر تمامیت این اصل کاشف از صحت از صحت آسایش بود بدمم در مسئله استیناف و تمیز مذاکرات و مراجعاتی از مجلس محترم به این ناحیه مقدسه می شد و چون استیناف و تمیز بعد از صدور حکم شرعی قبل از مجتهد نافذ الحکومه بنابر اصول مذهب جعفری علی مشیده افضل الصلوٰه والسلام مشروعیت ندارد نتیجه مذاکرات و مراجعات آن دوره این شد بعد از آنکه محاکم شرعیه و اساسیه عرفیه از هم دیگر منفصل شد استیناف و تمیز را بهمان محاکم سیاسی عرفیه مخصوص دارند که هم مخالفتی با اساس مذهب مقدس نشده باشد و هم موازین سیاسی ایران در انظار دول اجنبیه ناقص نباشد و بهمین طور بنایود انجام بشود که داستان انفصال مجلس بیان آمد تا در این دوره چندی قبل مسوع شد محکمه تمیز را مقرر داشته اند و جناب مستطاب فقه الاسلام آقای حاج شیخ محمد حائری مازندرانی دام علائمه بریاست آن انتخاب شده اند به گمان اینکه بهمان ترتیب سابق است و انتخاب ایشان هم برای اعمال دقائق شرعیه است از این جهت مسرور شده و تلگرافی هم مبنی بر همین منی معروض داشته و ضمناً از وزارت جلیه عدلیه مزید مراقبت و بذل

چند کمال در دفع خرابی های عدلیه و شعب و ادارات آن که موجب شکایت عمومی شده است درخواست شد حالا می شوم آن ترتیب سابق و آن فصل شریف بکلی من حیث العمل ملغی شده و خصومات شرعیه را غیر اهل متصدی گشته و استیناف و تمیز مطرداً مقرر شده است اگر چه این معنی از جهات عدیده قابل تصدیق نبود و لکن از روی کمال اضطراب کمبانا خدای نخواست. تقلید از محاکم خارجه چنین پیش آمد و روز سیاهی را برای اتهام این اساس سعادت مقتضی گشته و سر آمد تمام موجبات انزجار و نفرت قلوب علماء و ملت شده که ناموس این اساس سعادت تدریجاً از میان برود و از این جهت لازم شد مصادعت شود انشاء الله تعالی در مجلس محترم با حضور وزارت جلیه عدلیه که وجود محترمشان موجب بسی امیدواری هست عیناً قرائت شود و جواب رافع وحشت و اضطراب را عاجلاً متر صد است و السلام.

(جوابی از طرف مجلس در کمیسیون نوشته شده بود بعبارت ذیل قرائت شد.)
عرض عالی میسراند - رقیبه محترمه که بوسیله حجج اسلام هیئت معظه مجتهدین فقام از اعضاء دامت برکاتهم عنوان مجلس شورای ملی شرف ترقیم یافته بود عرض نزول ارزانی داشته در جلسه علنی ۱۹ ربیع الاول ۱۳۲۹ با حضور وزیر عدلیه در مجلس قرائت شد.

اینکه مرقوم شده در ماده ۲۷ قانون اساسی فصل خصومات شرعیه را بمحاکم عدول از مجتهدین مخصوص و سایر خصومات سیاسی مملکتی را بمهله محاکم واکدار نموده اند و حاله در محضر انور مذاکره می شود که آن ترتیب سابق و آن ماده قانون اساسی من حیث العمل ملغی شده و خصومات شرعیه را غیر اهل متصدی شده و استیناف و تمیز را حتی با حکام صادره از محضر مجتهدین ناقد الحکم اطراد و تمدی داده اند - مجلس شورای ملی برض محترم عالی میسراند تا اکنون بهیچوجه از مدلول ماده ۲۷ قانون اساسی و سایر مواد آن تمدی و تخطی نشده و همانطور که در ماده مذکور ذکر شده فصل خصومات شرعیه بمحاکم عدول از مجتهدین ارجاع شود و احکام صادره در محاکم شرعیه را قاضی و قاطع قرار داده به محکمه استیناف و تمیز رجوع نمی نمایند مجلس شورای ملی خاطر محترم عالی را از این رهگذر آسوده و مطمئن می نماید و از هر ناحیه غیر این ترتیب جاریه را بحضور مبارک عرض کرده اند از روی اشتباه بوده است و فعلاً چند ماه است جناب مشیرالدوله وزیر عدلیه با حضور هیئت محترمین مجتهدین و متخصصین از علماء اعلام در کمیسیون عدلیه با جدی وافی مشغول تسویه و اصلاح قوانین موقتی عدلیه هستند و امیدواری چنان است عنقریب اتمام کرده و به اعضای والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه دامت عظمته رسانیده از هر جهت نواقص عدلیه را تکمیل و امور بر طبق منظور و مقصود حضرت آیت الله ادام الله ظلّه تسویه و مرتب شود.

رئیس - مخالفی نیست؟
(اغلب اظهار کردند خیلی خوب نوشته شده)

رئیس - فرستاده خواهد شد.
دستور امروز بودجه مجلس شورای ملی راجع به هدهدالسنه تنکوز ثیل - راپورت کمیسیون بودجه

راجع بخانوار مر حوم حجّه الاسلام بهبهانی - ایضاً راپورت کمیسیون بودجه راجع بیوسف مجاهد حالا شروع میشود بودجه مجلس.

وزیر عدلیه - قبل از اینکه داخل دستور شوید بنده عرضی دارم.

رئیس - بفرمائید.

وزیر عدلیه - عرضی که میخواستم بکنم راجع بقوانین موقتی عدلیه بر خاطر محترم نمایندگان معلوم است که اهمیت قوانین ولو اینکه موقتی باشد برای وزارت عدلیه که اصلاحات آن چندی است مطمح نظر عموم و جالب دقت نمایندگان محترم هم شده است تا چه اندازه است و نیز بر خاطر نمایندگان محترم پوشیده نیست که از بدو تشکیل این کابینه که بینه تکلیف این شغل را کرده اند بنده حس کرده بودم که بدون قانون ولو اینکه موقتی هم باشد ممکن نیست اداره عدلیه را یک راه اساسی صحیحی انداخت باین جهت شرط کردم که مسئولیت را بعهده نخواهم داشت و دخالت در امور عدلیه نخواهم کرد تا وقتیکه قوانین از کمیسیون عدلیه باطلاع و تصویب علمای مجلس گذشته و با مضای والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه برسد از بدو تشکیل کابینه بنده همه روزه مشغول تهیه و تدارک این کار مهم بوده ام و راجع باین مقصود در این مدت دو ماه هم کمال همرامی از طرف آقایان علمای مجلس و اعضای کمیسیون بعمل آمده و اقدامات و کارهایی که در این دو ماه شده است این است که عرض میبکند لایحه اصول تشکیلات عدلیه تمام و مورد مذاقه و فرین اتمام شده حالا برای اینکه هیچ جای ایرادی باقی نباشد باز برای احتیاط در آن لایحه آقایان علماء اعضاء مذاقه ثانوی مینمایند لایحه اصول محاکمات حقوقی هم من البدو الی الختم در کمیسیون قرائت و مورد مذاقه شده و حالا طبع و توزیع میشود که آقایان نظر و اعضای محترم کمیسیون عدلیه مجدداً در یک معطله و مذاقه ثانوی در آن لایحه بعمل آورند و هر یک از نمایندگان محترم هم بخواهند دقتی بکنند اسباب امتنان و تشکر بنده خواهد بود اصول محاکمات جزائی تا جائی که راجع است به تحقیقات اولیه که بواسطه ضابطین عدلیه و مستنطقین بعمل می آید در کمیسیون قرائت شده است ولی در موقع قرائت مواد راجحه به اصول محاکمات جزائی بخصوص که بعد از این داخل خواهیم شد پرتیبات محاکمه در محاکم جزائی اتصالاً بر میخوریم بپوادگی که مربوط بقانون مجازات است و آقایان نمایندگان بخوبی میدانند که ما یک قانون مدنی بجزایات عرفی (یعنی مجازات اقداماتی که بر ضد قوانین مملکتی میشود) نداریم و خیلی محتاج بتسویب یک چنین قانون مجازات عرفی مملکتی بجهت اینکه ما از یک طرف مجبوریم که ترتیبات محاکمات جزائی را میین کنیم و قانون محاکمات جزائی ارتباط کلمی با قانون مجازات دارد که نتشود این دو کار را از هم دیگر جدا کرد و از طرف دیگر خود تدوین قانون مجازات را مستقلاً کاری است مهم که نمیتوان صرف نظر از آن نمود به این جهت بنده لازم میدانم که یک ترتیبی هم

ولو بطور موقتی هم باشد از برای مجازات مملکتی داده شود و از برای نیل به این مقصود یک لایحه ای هم ترتیب شده است و این لایحه البته یک لایحه ای است و باید مثل سایر لواب موقتی راجحه بصدلیه کمال دقت و مطالعات عمیق در او بشود و برای این مقصود بنده چنین بنظم میسرند که کمیسیون عدلیه فقط کافی نباشد بلکه لازم است یک کمیسیون مختلط دیگری تشکیل شود که لایحه مزبور را بدقت معطله کرده و موافق مقتضیات مذهبی و عادات و اخلاق آنرا اصلاح نماید و چون قانون مجازات حاوی نکات عرفی و شرعی میباشد لهذا بنده تقاضا میبکنم که کمیسیون مزبور مختلط و منتخب عدل علماء محترم مجلس وعده نمایندگان محترم که بصیرت بقوانین مجازات مدلمتندنه دارند باشد ترتیب یک چنین قانونی صرف نظر از اینکه مستقلاً یک کار مهمی است و در انتظام امور و جلوگیری در تعطیلات و تجاوزات خیلی مؤثر و دارای اهمیت است یک کمیسی نیز برای تسریع تکمیل اصول محاکمات جزائی خواهد بود زیرا که در ترتیبات محاکمه جزائی در بعضی از مواد چنانکه اشاره کردم ما باید به اصول قانون جزائی خودمان استناد کنیم و چنین اصولی عجالتاً هنوز اتخاذ نشده است زیرا که فاقد خود مدون قانون جزائی هستیم و فقط قانون جزائی عرفی خودش یکی از مبتلا به امروزه ما است چنانکه وقتی که لایحه قوانین مزبوره تدوین شده اهمیت آن را مشاهده خواهید فرمود چون در این موقع نمیخواهم بیش از این وقت مجلس را تضییع کرده باشم باین چند کلمه عرض خود اکتفا کرده انتخاب کمیسیون مختلطی را بطوری که عرض و تقاضا کرده ام درخواست مینمایم.

رئیس - مقصودتان تقاضای انتخاب کمیسیون در همین جلسه است.

وزیر عدلیه - تقاضا میبکنم که کمیسیون هر چه زودتر انتخاب شود.

رئیس - چند نفر تقاضا میبکنید.

وزیر عدلیه - کمتر از شش نفر نباشد و اگر بیشتر باشد بهتر است.

رئیس - شش نفر مجدداً انتخاب شود و با کمیسیون عدلیه مختلط شوند.

وزیر عدلیه - بلی.

رئیس - اگر مجلس موافق است در موقع تنفی انتخاب شود والا برای اینکه اذهان آقایان خوب مستعضر بشود بگذاریم برای جلسه آتی.

(اغلب اظهار کردند بماند برای جلسه آتی)

رئیس - قانون بودجه تنکوز ثیل مجلس شورای ملی خوانده میشود شور در کلیات است مخالفی هست؟

(اظهاری نشد)

حالا که مخالفی نیست رأی میگیریم آقایانیکه موافقت در داخل در مواد شویم قیام نمایند.

اکثریت است بخوانید.
(ماده اول لایحه قانون بودجه ماده اول ضمیمه آن بترتیب ذیل قرائت شد.)
ماده اول لایحه - برای مخارج سنه تنکوز ثیل مجلس شورای ملی مبلغ یکصد و چهل و نه هزار و

نظر بهمان ضمانت جمعی بوده است که ادارات نسبت بهمدیگر ضمانت جمعی را از دست ندهند نه اینکه بگوئیم ضامن نیستند رؤسای امیه هم ضامن هستند اما میگویم این فصل باید در قانون داده و حکام نوشته شود پس این دلیلی که آوردند که این معمول بوده است دلیل صحیحی نیست و حاج شیخ اسدالله هم منکر نبودند که معمول بوده است یا نبوده است اساساً این مسئله را تصدیق میکنم ولی این ماده را نیشود اینجا درج کرد برای اینکه هیچ ربطی بقانون نیست ندارد .

ناصر الاسلام - بهمان تقریری که بعضی از آقایان کردند بنده هم همان دلیل را از برای اینکه این در قانونیستی نوشته نشود کافی میدانم و آن دلایلی که آقای رئیس کمیسیون اظهار کردند که باید برای تمدد اداره که متضمن است که اداره امنیه منترم است برای ادا کردن وجه مسروقات یستی این را تصویب نکنیم و جزو قانون فرار بدهیم هیچ دلیل قاطعی نیست بنده همان وقت که در کمیسیون بودم این را رد کردم حالا هم رد میکنم وزارت داخله و اداره امنیه يك نحو مسئولیتی دارند که معمول است در سرفت هائیکه واقع میشود چه راجع است وجه راجع سایر مسروقات معنی امانت قانونیستی نوشتن بکلی غلط است و هیچ صحیح نیست

حاج شیخ الرئیس - بنده نسبت به مسئولیت حکام بطریقیکه نمایندگان محترم اخطار کردند کلمات کرد از عرض بنده ولی چون نوشته اند سرفت و غصب و غارت این لفظ غصب اینجا زیادی است مسروق و منتهوب بنویسند غصب اینجاست ندارد **رئیس** - چون شورا اول است گویا مذاکره کافی است .

(گفتند کافی است)
باب چهارم ماده (۵۰) فرائت میشود
(باب چهارم در مجازات و عقوبات)

ماده ۵۰ - هرگاه کسی بر خلاف مسظورات مواد دوم و چهارم رفتار نماید از بی - الی - ه تومان جریمه خواهد شد اشخاصی که بتوسط وسائل حمل و نقل شخصی بر خلاف جمله اول فصل پنجم رفتار نمایند در تحت همین قاعده خواهند بود در صورت تکرار خلاف جریمه ممکن است بصد تومان بالغ شود .

آقا سید حسن مدرس - این مسئله جریمه محل نظراست وجهی ندارد .
رئیس - حالا که محل نظر است بکمیسیون بر خواهد گشت اگر نظریاتی دارید آنجا خواهید فرمود .

دیگر مخالفی نیست (ماده ۵۱)
ماده (۵۱) هرگاه کسی بطرق های دیگر مسظورات فصل پنجم را نقض نماید مورد يك الی صد تومان جریمه خواهد گردید و علاوه حقوق یستی مسظوراتی که بواسطه مخالفت قانون پرداخته نشده از او اخذ خواهد شد .

رئیس - در این ماده هم لابد همان ایراد هست .
(اظهار شد بله) . این هم به کمیسیون بر میگردد .

ماده (۵۲) - هرگاه کسی بقصد تقلب قیمت امانتیا بیش از قیمت حقیقی اظهار نماید از يك الی پنجاه تومان با جریمه تعلق خواهد گرفت .
حاج سید ابراهیم - بنده این لفظ بقصد تقلب را صحیح نمیدانم بجهت اینکه از کجا معلوم خواهد شد که این قصد تقلب داشته است قصد معلوم نمیشود باید معین کند که قیمت را زیادتر اظهار نکند اما این نمیشود که در قانون نوشته شود که قصد کند .

آقای میرزا ابراهیم خان - در کمیسیون اصلاح کرده اند این جمله را که قیمتش را بطور مبالغه گفته باشد .

بهجت - عرض بنده هم همین بود که حاج سید ابراهیم گفتند قصد تقلب معلوم نمیشود تا بنیاً اصلاً زیادتر قیمت کردن چه اساسی خواهد داشت ممکن است کسی يك چیزی نودش عزیز و نفیس باشد و بواسطه آن نفاستیکه پیش او دارد يك قیمتی برایش میگنار در برای اینکه اداره یست مجبور باشد برساند قیمت های اشیاء نسبت بر قیمت اشخاص فرق میکند يك چیز واقعی نیست خیلی چیزها هست که نسبت به مشتری قیمتش زیاد میشود زیرا يك وقت کسی طالب يك چیزی هست بقیمت خیلی زیاد میخرد و دیگری نمیخرد و اینکه يك مجازاتی برای این قرار بدهیم مخالف هستم عقیده بنده این است که این قیدش را که بقصد تقلب قیمت کند بردارند زیرا از کجا معلوم میشود که این قصد تقلب داشته یا نداشته اگر بنده میگویم ماده ای لازم است در کمیسیون به ترتیب صحیحی قرار بدهند .

رئیس - دیگر اگر مخالفی نیست ماده ۵۳ فرائت میشود .
ماده (۵۳) - هرگاه کسی تمیر باطله یا سایر اوراق قیمتی باطل شده را مجدداً استعمال نماید مبلغ بیست تومان الی صد تومان بعنوان جریمه از او دریافت خواهد شد .

حاج شیخ اسدالله - يك فرمایشی فرمودند در اول آقای مدرس که راجع تمام این مواد است برای اینکه این مواد راجع بجریمه است تقاضای است اینها باید بقرینه بنده برگردد بکمیسیون و نظریاتی که دارد آقایان بفرمایند آنوقت بجنس بیاید والا هیچ فایده ندارد مذاکراتش .

رئیس - این نظری است که آقای مدرس داشتند ممکن است که يك نظر دیگری هم باشد یعنی علاوه بر این ایراد يك ایراد دیگری ممکن است که باشد پس در هر صورت باید خوانده شود .

بهجت - بله بنده میخواستم عرض کنم این مواد علاوه بر جریمه ی چیزی خواهد داشت که باید خوانده شود مثل همان نظری که در ماده سابق شد پس همین ترتیب باید خوانده شود که انظار متوجه باشد .

رئیس - در ماده که حرفی نداشتید (خبر) پس بیجا حرف زدید .

ماده (۵۴) - ساختن و فروش و دوره گردانی و تقسیم و استعمال هر قسم اوراقی که شباهت بتمبر یست یا سایر اوراق قیمتی یست داشته باشد و قبولشان بجای تمیر و سایر اوراق یستی آسان باشد قفسن یستی از گیرنده دریافت گردد در صورتی که اداره اکید است و هر کس برخلاف این قانون رفتار نماید

از دودرز الی يكسال محبوس خواهد شد و مورد پنج تومان الی دویست جریمه خواهد شد و یا یکی از آن دو سبب است در حق او مجری خواهد گردید .

حاج شیخ الرئیس - بنده در حبس کردن همراه از يكسال هم بیشتر بکنند ولی در جریمه کردن همراه بنیستم و تصویب نمیکم .
آقای میرزا ابراهیم قمی - بنده عقیده ام این است که بجای جریمه اگر بنویسند از حقوق اداری او کسر میشود بهتر است .

رئیس - اظهار عقیده کافی نیست باید بنویسید بنده اینجا رای بگیریم .

ماده (۵۵) - هرگاه یکی از اجزای یست مندرجات یا کات یا کارهای یستی و سایر مسظورات که به پستخانه سپرده میشود یکی اظهار کند و یا ارائه بدهد مگر در مواقعی که قانون آنها را مجبور میکند فاش و آشکار نماید یا آنکه یکی از آنها را مفقود کند از خدمت یستی خلع خواهد شد و مادام الحیات در هیچیک از دوایر و ادارات دولتی پذیرفته نخواهد شد علاوه ششماه الی يكسال محبوس میشود .

ارباب کبخترو - بنده در این ماده يك چیزهایی مبینم که هیچ مناسبتی بهمدیگر ندارد انشاء مطالب يك یا کتی باکم کردن يك یا کتی خیلی فرق دارد و ربطی بهم ندارد مثلاً يك فراه یا مأموری يك یا کتی از شش می افتد و کم میشود این چه مجازاتی است که خلع بشود و مادام الحیات در هیچ يك از ادارات دولتی پذیرفته نشود و حبس هم بشود بنده عقیده ام این است که هیچ مناسبتی ندارد با آن کسیکه اسرار کسی را افشا میکند .

رئیس کمیسیون - اینجا مقصود از مفقود کردن این است که بعضی یا کت با اداره یست برسد و اجزاء اداره بواسطه مهارتی که پیدا کرده اند تصور کنند که این یا کت اسکناس یا پولی در او است مفقود کنند اینطور یا کات اگر مفقود بشود این مجازات را دارد نه یا کتی که خودش کم کند .

ناصر الاسلام - بنده عبارت این ماده را کافی نمیدانم از برای تأدییه این مقصود عقیده ام این است که همین طوری که آقای رئیس کمیسیون توضیح دادند بطور وضوح نوشته شود و روی بگیرد **رئیس** - حالا که موقع رای نیست رای در شور دوم خواهیم گرفت .

ماده (۵۶) - مستخدمین اداره یست که دارای مناصب قانونی هستند و صاحب منصبان اداره نظمی در مقام تحقیق و تفتیش برآمده تخلفاتی را که برخلاف این قانون واقع شده به ثبوت میرسانند اشخاص مذکور مجازند در اینکه موارد اموال و خود چاروادار ها و متصدیان حمل و نقل را تفتیش و تجسس نموده مسظوراتی که بدست میآورند توقیف نمایند مستخدمین اداره گمرک و تنکمره نیز در آنچه راجع بقصد دوم و چهارم است دارای همین وظایف هستند در صورت ضبط و توقیف باید بلافاصله صورتجلسی نوشته شود که در آن صورت اشیاء مضبوطه و عنوان آنها ذکر شده باشد این صورت مجلس بانضمام اشیاء ضبط شده بنزدیکترین پستخانه ارسال میشود تا آنکه بحمل مقصد فرستاده شود و دو برابر حقوق یستی از گیرنده دریافت گردد در صورتی که اداره

یست احتمال بدهد که یا کتی محتوی وجوه یا اشیا یست که حملش برخلاف این قانون است یا در صورتی که یا کت از خارجه باشد احتمال بدهد که حاوی اشیا یست که حقوق گمرک بر آن تعلق میگیرد حق دارد افتتاح یا کت را بخواهد باز کردن این قسم یا کتهاو ضبط آنها در مورد لزوم در حضور فرستنده یا گیرنده خواهد شد و اگر مشارالیه از حضور به اداره امتناع کرد یا بعلت دیگر حاضر نشد تفتیش و ضبط در صورت لزوم در غیاب او خواهد گردید ترتیبات مذکور به سایر مسظورات غیر از یا کات تعلق نخواهد گرفت .

حاج سید ابراهیم - پنج شش مطلب در این يك ماده جمع کرده اند خوب است تفکیک شود یکی آنکه وظیفه تفتیش را واگذار کرده اند بهم مستخدمین پستخانه و این صحیح نیست بجهت اینکه مفتش در پستخانه علیحده خودش يك تکلیفی دارد که باید رسیدگی بکند و یکی دیگر آنکه تکلیف اداره نظمی را هم اینجا معین کرده است و اینهم صحیح نیست - و دیگر آنکه مینویسند در صورتیکه اداره یست احتمال بدهد که محتوی رجوه یا اشیا یست که برخلاف قانون است اینجا یک اجازه میدهد باز کردن این یا کات جایش در این ماده قانون نیست در ماده یست گذشت که ما گفتیم یا کتها را نمیتوانند باز کنند الا در قتلان مورد پس این استثنا را در مقام تعیین وظیفه و مجازات جا ندارد که نوشته شود بقرینه بنده خوب است که اینها تفکیک شود و آنچه وظیفه مجازات است نوشته شود .

رئیس کمیسیون - اولاً در باب تفتیش فرمودند تمام مستخدمین يك اداره چون مشغول کار اداره هستند باید اهتمام کنند و تفتیش بکنند یعنی يك یا کتی که باو داده میشود که او احتمال میدهد که در آن پول هست یا يك چیزی است که ممکن است حقوق گمرکی باو تعلق بگیرد این حق او است که تفتیش بکند باید آن کار را بکند اگر نکرد و بقصد سید باز هم اداره یست آن محل حق دارد وقتی که در يك یا کتی فهمید يك چیزی هست که حقوق گمرکی باو تعلق میگیرد بصاحب یا کت میگوید که باید باز نمود و اما در باب اینکه کار اداره نظمی را در اینجا معین کرده است این از برای این است که اگر این نوع احتمال را از این نوع اشخاص دید اداره نظمی حق داشته باشد که این نوع مجازات را بآنها بدهد .

رئیس - دیگر مخالفی نیست .
آقای هشترودی - بنده مخالفم **هشترودی** - در این آخر ماده مینویسد که ترتیبات مذکور به سایر مسظورات غیر از یا کات تعلق نخواهد گرفت من جمله در سابق هست که در صورتی که این اشیاء حملش برخلاف این قانون است مثلاً فرض بفرمایید یا کت نیست بجز چیزی است که حملش برخلاف قانون است و در غیر یا کت گنجانبه است همچو معلوم میشود که در آنجا باز نمی کنند و حال آنکه عقیده بنده این است که در آنجا هم باز کنند ولو اینکه یا کت هم باشد .

دکتر اسماعیل خان - اگر يك امانتی باشد در توی یا کت باشد اجزاء اداره حق دارند که بگویند یا کت را باز کنند و اگر در غیر یا کت بطور امانت بدهد اداره یست مجبور است و نمیتواند قبول کند که بشکل دیگری امانت کنند و بفرستند .

ماده (۵۷) - جرایم از طرف اداره جلیله یست از مجرای اداره بمنافضین قانون اظهار خواهد گردید اگر ناقضین قانون در ادای آن مسامحه نمایند اداره یست عمل را راجع بمحاکم مقتدره خواهد نمود در این موقع تحقیقاتیکه باید در حق مخالفین مسظورات فصل دوم چهارم و پنجم مجری شود بموجب اظهار اداره یست خواهد بود تا زمانی که حکم قطعی در این قسم امور از محاکم صادر نشده است اداره یست حق دارد عمل را بصلح بگذرانند **آقا میرزا ابراهیم خان** - در کمیسیون محاکم مقتدره را محاکم مسربوطه نوشته بوده است .

حاج عز انصالح - بعد از آنکه مجازاتی برای مخالفین قانون معین شد حالا هر چه معین بشود مجازاتی تصویب شد در قانون که هر چیزی چه مجازاتی خواهد داشت دیگر حق اینکه مایک حق بدیم با اداره یست که در این مواقع رجوع بجای کم بکنند جایز نخواهد بود خوب است آقای رئیس کمیسیون توضیح بدهند .

دکتر اسماعیل خان - اگر يك خلاف قانونی از یکی دیده شد و اداره یست دید که از برای اداره هم ضرر فوق العاده ندارد و قانوناً هم نمیتواند او را به محاکمی جلب کند و میدانید که هر وقت اداره طرف میشود با مردم این خودش يك زحمت فوق العاده است برای اداره اگر چنانچه دید از برای اداره يك ضرر فوق العاده ندارد میتواند که بصلح بگذرانند .

حاج شیخ اسدالله - بنده هم میخواستم این مطلب را عرض بکنم در قانون اداره جلیله بنده اند این (جلیله) را خوب است حذف کنند .

رئیس - این قبیل اظهارات را خوب است بفرستید بکمیسیون والا اینقدر اهم نیست که اجازه نطق بخواهند و اظهار کنند .
ماده (۵۸) - کلیه مجازاتی که با رسالات یستی داخله منکلت تعلق میگیرد با رسالات خارجه نیز تعلق خواهد گرفت مگر در صورتیکه مندرجات معاهدات بین المللی مخالف آن باشد .

بهجت - بنده گمان میکنم این هیچ شامل این ماد نبود یعنی ممکن است در آن قوانینی که راجع میشود به یست های بین المللی که آنها يك قوانین وضع میکنند که مخالف باشد با قوانین داخله منکلت ما نسبت به رسولات یستی داخله ولی بدیهی است که ما این رسولات را نسبت بداخله خودمان میگیریم و راجع بحقوق بین المللی نخواهد شد و این قوانینی که در داخله منکلت خودمان هست نسبت به رسولات خارجه معمولست و مجری میکنیم .

دکتر اسماعیل خان - اداره یست ایران از چندی بیمد میدانید که جزء اداره یستی بین المللی داخل شده است یعنی تمام قوانینی که در بر این قرار میدهند از برای تمام ادارات دول است اداره یست

ایرانهم جزء آنها است و این قوانین که اینجا اظهار میدارند و اینجا ذکر شده است راجع باشخاص داخله است و بخارجه هم تعلق میگیرد مگر در موردی که قوانین راجع بان بایستی بین المللی یست مخالفتی داشته باشد در آنها تعلق نمیگیرد و اگر مخالفتی نداشته باشد به آنها تعلق نخواهد گرفت و اگر مخالفتی داشته باشد حقیقتاً نمیشود مجری داشت **رئیس** - دیگر مخالفی نیست ماده ۵۹ فرائت میشود .

ماده (۵۹) - مؤاخذاتی که بواسطه نقس مندرجات این قانون باید از رعایای خارجه شود مطابق معاهده نامه های دولتی خواهد بود .

رئیس - مخالفی نیست ؟
ناصر الاسلام - بنده این ماده را بکلی در این مورد زاید میدانم این ماده راجع است بقرارداد دولت ایران با دول دیگر آن قراردادی که دارد در موقع اجرا معمول خواهد شد در اینجا بنده زائد میدانم .
رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟
(اظهاری نشد)
ماده ۶۰ فرائت میشود .

(ماده مزبور بعبارت ذیل فرائت شد)
باب پنجم اجرای قانون

ماده شصتم - این قانون نسخ تمام قوانین و احکامی است که تا بحال در خصوص امور یستی صادر و وضع گردیده است تعیین تاریخ شروع با اجرای این قانون بادول است و علاوه بعضی امکان و در هر صورت بمدت انقضای کتترات های نواب اداره یست ترتیب حمل مسافرن و بنه آنها را توسط یستهای مرتب و یا دستگاههای یستی فوق العاده در طرق یری و بحری منکلت مقرر و منظم خواهد بود .

حاج شیخ الرئیس - گرچه این عرض بنده شاید يك مناقشه لفظی بنظر آقایان بیاید ولی در واقع معنوی است کلمه ناسخ را در اینجا غیر مناسبی بینم بجهت اینکه نسخ در جائی میشود که کارهای سابقی از روی قانون باشد و این قانون لاحق سابقی را نسخ کند پس خوب است ناقص بنویسند .

ارباب کبخترو - در اینجا اولاً تعیین تاریخ شروع اجرای این قانون را بادولت وا گذاشته است و حال اینکه در خود قانون باید معین شود تا بنای نوشته است این قانون نسخ تمام قوانین و احکامی است که تا بحال صادر شده است خواستم از رئیس کمیسیون سؤال کنم که احکام و قوانین سابق هر چه بوده است تمام ملاحظه کرده اند دیگر هیچیک از آن مواد لازم نیست که جزء این قانون بشود یا بموجب همین قانون تصویب کرده اند ؟

دکتر اسماعیل خان - مقصود از قانون یستی که اداره پستخانه اصرار داشته است زودتر بگذرانند اگرچه بدیخته خبلی تأخیر افتاده است بیشتر همین ماده است الان نقاط مختلفه ایران این اختیاری که یست گرفته یعنی دولت میخواهد بخودش منحصر کند بنده در این باب میخوام عرض کنم تا اینکه جواب آقای ارباب داده شود الان بعضی از نواب مختلفی که هستند چون منحصر بسولت نیست آنها چه در بر وجه در بحر بعضی کارها میکنند که بکلی منافی با منافع

دولت است و ادارهٔ پست قانون را بطور معاون وزارت پست مکرر خواست کرده که زودتر بگذرد مخصوصاً از برای این موادی که این انحصار بدولت داده شود و دولت زودتر آنها را اداره بکند و آنها را در تحت تصرف خودش بیاورد اینکه فرمودید که وقت اجرای قانون را نباید دولت معین کند بنده هم با آقای ارباب موافق و این فصلی که خوانده شد این ماده در باب مجازات بود و سابقاً بنا بود که آقایان حجج مجلس تشریف بیاورند بکمیسیون و در این باب نظریات خودشان را بیان بفرمایند از برای اینکه زودتر بگذرد و حالا هم در باب مجازات نقدی که فرمودند استماعاً میکنم یک روزی زودتر تشریف بیاورند که رودتر بگذرد زیرا در همین اختیاری که دولت در ماده شصت میخواهد بگیرد و بخودش منحصر بکند فواید بسیار مهمی مستتر است که آقایان هر یک بخواهند ممکن است توضیحات خصوصی داده شود.

معزز الملک - بنده تصور میکنم که این مقصودی که رئیس کمیسیون بیان فرمودند صحیح است ولی برای نائل شدن به این مقصود محتاج به این ماده نیستیم بجهت اینکه انحصار و عدم انحصار را در مواد سابق ما بیان کردیم و معین شد و البته این خودش واضح است مثلاً سابق بر این مطلباً که قانونی بوده و حالا یک قانون جدیدی وضع شود این خودش ناسخ او است بدون اینکه بیان بشود که این قانون ناسخ آن قانون است این یکی و یکی هم اینکه آقای ارباب کیخسرو فرمودند بسیار اظهار صحیحی است که مدت را نباید را گذار بخود دولت کرد بجهت اینکه شاید دولت بکند دولتی باشد که بگوید تا ده سال دیگر میخواهیم این قانون را مقرر بکنیم باید مقنن مخصوصاً یک مدتی را در نظر بگیرد تا آن قانون بموقع اجرا گذاشته شود.

دکتر اسمعیل خان - عرض کردم که کمیسیون در باب مدت هم امانت است.

رئیس - آقای فقیه الملک اصلاحی پیشنهاد کرده اند خوانده میشود.

(به بارت ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم بجای ماده شصت این ماده نوشته شود.
ماده ۶۰ - این قانون دو ماه پس از اعلان آن در تمام مملکت بموقع اجرا گذاشته میشود.

دکتر اسمعیل خان - عرض کردم این قانون قریب هشت ماه است که در کمیسیون مانده است و از آقای رئیس خیلی ممنونم که این قانون را زودتر گزینانیدند و این پیشنهاد را کمیسیون رد میکنند نظر بعضی توضیحاتی که کمیسیون داشته است و نظر بعضی توضیحاتی که دارم و ممکن است که با آقای فقیه الملک بهم و تقاضا میکنم این پیشنهاد خودشان را بگیرند.

فقیه الملک - بنده آنجا دو مقصود داشتم یکی آنکه آن جمعه های آخر این ماده زیاد است چون در مواد قبل ترتیبی برای حمل و نقل نواقصی و غیره تقریباً ذکر شده و هر وقت که ذکر بکنند که این قانون بموقع اجرا گذاشته میشود شامل آن ها خواهد بود دیگر ترتیب متصدیان پست و نواب و

غیره هیچ لازم نیست که اینجا نوشته شود حالا برای بموقع اجرا گذاشتن این قانون اگر دو ماه را زیاد میدانند بفرمایند یک ماه یا کمتر بجهت اینکه در آخر هر قانونی باید یک موقعی برای اجرای آن معین و اعلان بشود حالا اگر این قانون قبل از وقت مجری بوده است و معمول داشته اند این کفایت نمیکند امروز که این قانون از مجلس گذشت و به امضای مقامات لازمه رسیده آن وقت قانونیت دارد و باید بموقع اجرا گذاشت گرچه بعضی مواد این شاید در موقع اجرا بوده است در حال یک ماده در خود این قانون باید باشد که در چه موقع اجرا میشود و باقی جمله های این ماده را بنده زیاد میدانم.

دکتر اسمعیل خان - مقصود عرض بنده هم این بود که مدت کمتر باشد این مدت زیاد است
رئیس - رأی میگیریم به این اصلاح آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند.
(اغلب قیام نمودند)
رد شد

دو فقره اصلاح پیشنهاد شده است یکی راجع به مادهٔ چهارم و هفتم و یکی راجع به مادهٔ چهارم و هشتم خود مادراً اول میخوانند بعد رأی میگیریم.
(مادهٔ ۴۷) مجدداً قرائت شده پیشنهاد مزبور از طرف آقای مشیر حضور ببارت ذیل خوانده شد.

بنده پیشنهاد میکنم که در مادهٔ چهارم و هفت قانون پستی عوض یکسال دوسال نوشته شود.
مشیر حضور - بعقد بنده یکسال خیلی کم است مثلاً ملاحظه بفرمایید به اسم بنده یک امانتی از سیستان میآید و بنده در سفر هستم و هیچ نمیدانم که این امانت به پست رسیده است یا نه بعد از یکسال میآیم و قبض پستی بنده میرسد که امانت پستی فرستاده شده ولی بموجب این ماده چون آن پستخانه مال بنده را ضبط کرده است پس از یک سال غرامت آن داده خواهد شد.

دکتر اسمعیل خان - ملاحظه بفرمایید که اینها امانت است امانات وقتیکه یک جایی ماند ضایع میشود مثلاً طاقه شال هست از فلان نقطه فرستادند در پستخانه چهار ماه پنجماه ننگه میدارد یکسال نگاه میدارد در صورتیکه اگر این مدت بنانه ضایع میشود و بیشتر باید پست غرامت بدهد.
متین السلطنه - غرامت راجع بخرات است که پستخانه میدهد که آن امانات آنها در آنجا مفقود شود یا ضایع ای با و وارد میآورند که لازم بود پستخانه غرامت بدهد و برای این یکسال مدت معین کرده اند و در هیچ جایی هم گمان نمیکند که بیشتر از یکسال باشد و جهتی دارد که یکسال قرار داده اند بجهت محاسبه است که هیچ وقت ادارهٔ پستخانه نمیتواند دوسال یا سه سال محاسبهٔ یک چیزی را نگاه بدارد و حساب هیچ سالی را بسال دیگر نمیرند فقط یکسال مدت محاسبات قرار میدهند و بعد هم یکچند ماهی مهلت داده میشود که صورت محاسبات اطراف بر کتبی بیاید و آنوقت با آن حدی که فقط قانون محاسبات برای تویه بودجه قرار داده است بیشتر از آن نمیتواند معطل بکند و اگر بخواهیم زیاد

بر این بکنیم یعنی بگوئیم دوسال یا زیاد مجبور میشویم که بگوئیم که حساب را از سالی بسال دیگر میرند و این اسباب زحمت در محاسبات میشود گمان میکنم که در اغلب نقاط هم از یکسال بیشتر نباشد.
رئیس - رأی میگیریم به اصلاح آقای مشیر حضور آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند.
(اغلب قیام نمودند)
رد شد.

یک اصلاحی هم آقای حاجی سید ابراهیم راجع بمادهٔ چهارم و هشتم پیشنهاد کرده اند خود مادهٔ چهارم و هشتم اول خوانده میشود بعد در اصلاح رأی میگیریم.
(مادهٔ چهارم و هشتم مجدداً قرائت و اصلاح مزبور بدین قسم خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در مادهٔ ۴۸ قانون پستی بجای قضاوت متعارف محاکم عدلیه نوشته شود.
حاجی سید ابراهیم - فقط آن اصلاح لفظی است چون آن محاکمی که دناوری رایبند قطع کنند عدلیه است نه سایر محاکم بنده خواستم تصریح به اسس شود.

رئیس - پس رأی میگیریم میفرستیم به کمیسیون اگر لازم شد در شور دوم رأی میگیریم شر اول این قانون تمام شد و با اصلاحات فرستاده میشود به کمیسیون پست و تلگراف ولی خواهش دارم که زودتر نظرات خودشان را در آن بکنند و راپورت او را بدهند و عرض میکنم که بعضی کمیسیونها کار نمیکند قانون راجع ببنگ احتکار مدتی است فرستاده شده است به کمیسیون داخله هنوز راپورتش نیامده قانون استخدام مدتی است برگشته است بکمیسیون قوانین مالیه هنوز راپورتش نیامده است قانون طبایع رجوع شده است بکمیسیون مشارف هنوز راپورت تانویس نیامده است خواهش میکنم که کمیسیونها منعقد بشود و این قوانینی را که عرض کردم هر چه زودتر راپورت هایش را بدهند.

دکتر علیخان - بنده اظهاری در باب کمیسیون معارف داشتم که فرمودند قانون طبایع هنوز راپورتش داده نشده عرض میکنم عنقریب راپورتش داده میشود ولی اعضاء کمیسیون آن طوریکه باید مراتب کنند و حاضر شوند حاضر نمیشوند چنانچه به هیئت رئیسه مخصوصاً در این خصوص عرض شده است و یکی از اعضاء کمیسیون آقای دهخدا هستند که منشی کمیسیون هستند حاضر نمیشوند معلوم است وقتیکه منشی کمیسیون حاضر نباشد کارهای کمیسیون خیلی عقب خواهد افتاد و با اینوصف نه از عضویت و نه از منشگری کمیسیون هیچک استعفا ندادند لهذا کارهای کمیسیون معوق مانده است.

رئیس - خوب بنده هم این را اینجا حلاً گفتم از برای اینکه بعد از این کمیسیونها مرتباً منعقد بشود و راپورت بدهند و اگر نشود مجبوریم در این باب یک مادهٔ قانونی به نظامنامهٔ داخلی الحاق بکنیم.

دستور جلسه آیه چون لایحه تقنینیه وجه استراضی هنوز نیامده است و کمیسیون قوانین مالیه هم راپورت خودش را راجع بقانون استخدام نداده است این است که دستور تغییر میکند.

دستور ۲۶ راپورت کمیسیون عدلیه راجع بقبول و نکول پروات - راپورت کمیسیون بودجه راجع بیوسف مجاهد.

ایضاً راپورت کمیسیون بودجه راجع بقانونی که سهم وارث آنها از دو تومان کمتر است.
دستور شنبه ۲۸ لایحه تقنینیه - بودجه مجلس شورایی و تفریح بودجه ایت تیل مجلس شورای ملی - طرح قانونی راجع بتجزیه بلوچستان از کرمان - دستور سه شنبه غره جمادی الثانیه - قانون طبایع - راپورت کمیسیون مشارف راجع بماده ششم قانون معارف در باب دستور مخالفی هست ؟

حاج شیخعلی - هم چنانکه قوه حرکت جرح اداره مملکت مالیه است روح قوانینی هم که وضع میشود آن قانونی است که برای مالیه وضع میشود در چهارده ماه قبل در اول افتتاح مجلس بنده راجع بوصول مالیات طرحی پیشنهاد کردم بکمیسیون مبتکران رفت و قابل توجه شد نمی دانم چرا هیچ جزء دستور گذاشته نشد که رأی گرفته شود در قابل توجه بودن آن که بین مجلس هم موافق خواهد بود یا خیر و بنده می بینم آن قانون هنوز وضع نشده کم کم دارد اجرا میشود مثل اینکه تمبر در تلگرافخانه تا بحال دایر نبود و میبینم که حالا مقایرات تلگرافی هم تمبر خواهد رسید بنظر بنده بهترین قوانین آن قانونی است که این مالیاتی را که داریم ترتیب وصول آنها مرتب بکنند و از حیف و میل باز دارند مستعدی هستم طرحی را که بنده پیشنهاد کرده ام رأی گرفته شود اگر قابل توجه شد بکمیسیون مربوطه آن فرستاده شود حالا از بعد از این سه جلسه جزء دستور بگذارند

فقیه الملک - این طرح آقای حاج شیخعلی در کمیسیون مبتکران قابل توجه شد مجلس هم فرساده بکمیسیون قوانین مالیه ولیکن آن مقصودی که ایشان در پیشنهاد خودشان داشته اند با آن چیزی که در این قانون تلگراف معمول شده است در باب تمبر این غیر از آن است ایشان طرحشان مشتمل است بر اینکه تمام مالیات در تمام نقاط مملکت و جزء همها را تمام بموجب تمبر وصول کنند و این یک مطلبی است که خیلی اسباب زحمت و عجزاً غیر قابل الاجراء است و با وزراء مالیه مکرر در این خصوص از همان یکسال نیم قبل تا بحال که این طرح را پیشنهاد کردید مذاکره کردیم هیچکدام قبول نکردند که این را حالا بتوانند فراری برایش بدهند مگر در ضمن عمل یک ملاحظه ای بکنند و ببینند میتوان اجرا کرد یا خیر آن وقت شروع به اجرای آن بکنند.

وحید الملک - بنده میخواستم یاد آوری بکنم راجع بنظامنامه انتخابات که مهم ترین چیزی که در جلو مجلس شورای ملی است مسئله انتخابات است.
رئیس - راجع بدستور نمیشود هر وقت راپورتش آمد یاد آوری بکنند.
وحید الملک - بله بنده خواستم تقاضا کنم که زودتر راپورتش بیاید.

حاجی سید ابراهیم - بنده راجع بقانون عقیقات میخواستم عرض بکنم که اگر راپورتش از کمیسیون فواید عامه آمده است.

رئیس - هنوز نیامده است.
آقای سید جلیل - چون کمیسیون محاسبات مغیر ندارد و بنده عضو آنجا هستم تقاضا میکنم که آن ماده را بکمیسیون محاسبات رجوع کنید که در آنجا تحقیقات بشود و راپورت داده شود.

رئیس - بالطبع رجوع بکمیسیون شد چون تمام موادی که لاینحل می ماند بر می گردد به کمیسیون.

آقای خاوالو اعظمی - بنده در باب کمیسیون مبتکران خواستم عرض کنم از ابتدای انتخابات تا این موقع که

رئیس - جواب این را بنده گفتم راپورتش را بدهند عرض میکنم.
مجلس مقارن مغرب ختم شد.

جلسه ۲۵۱
صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه ۲۶ جمادی الاولی ۱۳۲۶

آقای مؤتمن الملک رئیس سساعت و نیم قبل از غروب بکرسی ریاست جلوس نموده و سه ساعت و ربع قبل از غروب جلسه را رسماً منعقد فرمودند.

آقای معاضد الملک صورت مجلس یوم سه شنبه ۲۴ را قرائت کرد.

(اسامی غائبین جلسه قبل بترتیب ذیل قرائت شد)
آقایان: معاضد السلطنه - اسدالله خان کردستانی - دهخدا بدون اجازه

آقایان: محمد باقر ادیب - با اجازه غائب بودند آقایان: دکتر امیرخان - معذل الدوله - بیستاعت و اعتصام الملک و میرزا قاسم خان ۴۵ دقیقه - آقا شیخ علی شیرازی ۴۰ دقیقه بعد از وقت مقرر حاضر شدند

رئیس - آقای انتظام الحکماء فرمایشی داشتند ؟
انتظام الحکماء - بنده از کمیسیون داخله استعفا نداده بودم.

رئیس - در جلسه قبل هم عرض نکردم که استعفا داده اید گفته شد چون حاضر نشوید این است که بجای شما کسان دیگر انتخاب میشوند.

انتظام الحکماء - بنده در کمیسیون فواید عامه هستم ولی در یکروز که دو شنبه است این دو کمیسیون تشکیل میشود و نمیشود در هر دو حاضر شوم.

رئیس - عرض کردم در صورت مجلس نوشته نشده است که استعفا داده اید در جلسه قبل عرض کردم یک نفر بجای جناب عالی یک نفر بجای حاج محمد کریم خان یک نفر بجای آقای ادیب التجار باید معین شود اگر حرفی داشتید میبایست آنروز اظهار بکنید و اظهار نکردید دستور امروز قانون قبول و نکول پروات - راپورت کمیسیون بودجه راجع بیوسف مجاهد - راپورت کمیسیون قوانین مالیه

راجع بققوق متوفاتی که سهم وارث آنها کمتر اردو تومان است آقایان البته در خاطر دارند که قانون قبول و نکول پروات در سال گذشته از مجلس گذشت ولی بلا لحظه اشکالاتیکه پیش آمده بود مجدداً بمجلس رجوع شد و از مجلس بکمیسیون عدلیه رجوع شد از کمیسیون عدلیه راپورتی داده بودند که ماده اول و ماده دوم و سوم و ششم را تغییر داده بودند و یکماده دیگر هم بعنوان ماده الحاقیه پیشنهاد کرده بودند و بعضی اصلاحاتی هم از طرف نمایندگان محترم شده بود بگشت بکمیسیون حالا راپورت ثانوی کمیسیون مطرح مذاکره خواهد شد - باید رأی بگیریم که داخل در شور دوم بشویم یا خیر آقایانیکه موافقت با اینک داخل شور دوم بشویم قیام نمایند (تصویب شد)
ماده اول راجع نوبت ببارت ذیل قرائت شد.

ماده یک اگر برات کننده در برات تصریح باخذ وجه آن نموده و بعد انکار مدیونیت کند از او پذیرفته نخواهد شد.

معاضد الملک - بنده تصور میکنم که این ماده اول خیلی تولید زحمت و اشکال خواهد کرد برای تجار بجهت اینکه مینویسد اگر انکار از مدیونیت کند از او پذیرفته نخواهد شد ملاحظه بفرمایید اگر تصریح نکرد آنوقت تکلیف چیست ببقیده بنده نباید مجبور کرد که شخص برات کننده تصریح باخذ وجه میکند والا باز دوچار اشکالات خواهیم شد اگر مجبور کردیم در اینصورت که برات کننده هم تصریح باخذ وجه نماید میتوان این را ماده قانونی دانست والا ممکنست هر روز تجار طرف مقابل را انکار بکنند و هیچ این عبارت را ننویسند در پروات که وجه رسیده یک زحمت فوق العاده را تجار داشته باشند نسبت بکسیکه تصریح باخذ وجه نکرده و طرف مقابل را دچار زحمت میکند از اینجهت بنده یک پیشنهادی کرده ام که خوانده میشود.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی (مغیر کمیسیون عدلیه) - پیشنهاد آندهم ما این بود که امضاء برات دهنده را در ذیل هر براتی دلیل اخذ وجه گرفتیم آنوقت اگر چه نمیشد که تا پول نگیرد امضاء نکند و لکن مذاکره شد گفتند که ممکن است کسی پول نگیرد و برات میکند و امضاء میکند بیاینده خواهد بکند که شما حواله میکنید به آنجا اگر طرف قبول کرد من اینجا میدهم و گفتند از این اتفاقات در امور تجارتی هم هست یعنی وقوع دارد ممکن است کسی خواهش میکند که شما برات میکنید بفلان جا که فلان مبلغ بفلان کس بدهند بعد از اینکه طرف قبول کرد و داد بنده این جا میدهم پس معلوم میشود که این قبیل هم ممکنست پرواتی صادر بشود بنابراین ما آمدمیم شرط کردیم که در پروات تصریح شده دیگر نمیتواند انکار بکند و در پروات تصریح نشده اگر انکار کرد برات دهنده آنوقت باید محاکمه بکنند او میگوید تو نداده ای این میگوید نمیتوانم مجبورم میکنم که حتماً تصریح بکنم

بجهت اینکه آنکه پول داده است و برات میگیرد اگر دیگر در برات تصریح نشده است میگوید بجهت تصریح نمیکند برات بدهنده است آن برات بجهت تصریح نکرده نمحق دارد بگوید و این که الزام بکنیم برات دهنده را که تصریح بکنند بجاچه دخلی دارد الزام بکنیم اگر پول داده است و او پول گرفته است تصریح میکند و اگر تصریح نکرد پول دهنده او را الزام به تصریح کردن نمیکند اگر پول نداده است تصریح نمیکند و این ترتیب حواله میکند که هزار تومان به فلان کس بدهد دیگر نمینویسد که هزار تومان گرفته اگر گرفته است آن دهنده هم می گوید تصریح کن اگر نکرده است چرا بنویسد که من گرفته ام و این ترتیب که نوشته شده خیلی خوب ترتیبی است .

دکتر علی خان

قبیل است بنده در نظر دارم که نوشته شده بود کسی که قبولی را بنویسد باید بجهت عبارتی قبولی بنویسد و کسیکه نکرده بنویسد باید بجهت عبارتی بنویسد و بنظر بنده آن مطالب که آنجا قید شده است آنوقت آن مطلب بکنی با آن ماده مخالفت داشته باشد بجهت اینکه اگر در برات تصریح باخذ وجه بکنند بنظر بنده مخالفت خواهد داشت با آن ماده که در آن معین شده است که کسیکه قبولی برات را بنویسد با آن عبارت بنویسد پس در این صورت گمان نمیکند اگر بخواهد تصریح بکنند موافقت داشته با آن ماده که در سابق ذکر شده است حالا میخواهم بفرمائید که این ماده موافقت دارد با آن ماده یا خیر .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی

گویا اشتباه کردید این ترتیب را چه برات گیرنده یا برات دهنده است و آنکه بفرمائید راجع به آن قبولی نویسنده است که وقتی قبولی کرد بنویسد با آن عبارت که در آنجا نوشته شده است من قبول میکنم وقتی نکون کرد با آن عبارت بنویسد من نکون میکنم و این شق اولی است که رفتار برات گیرنده با برات دهنده باشد هنوز به آن نرسیده ایم .

رئیس

آقای مدرس فرمایشی داشتید بفرمائید .

مدرس اصفهانی

آنطوریکه فرمودند صحیح است و غیر از آن نیست .

بجهت

این ماده اول که اینطور نوشته شده هیچ قانونیت ندارد اگر ملاحظه بفرمائید معنی این است که اگر کسی اقرار کرد که من مدیون کسی هستم دیگر انکار نمیتواند بکنند این هیچ ربطی به مسئله برات ندارد در جائیکه حواله کرد و تصریح نکرد قانون باید بطوری باشد که تکلیف راهمین کند و حکم را منحصر کند بیک صورت که صورت واضح باشد و قتیکه پول را آنجا پرداخت و او حواله کرد اگر انکار نکرد آنوقت چه خواهد شد والا در صورتیکه تصریح میکنند دیگر محتاج بنوشتن این قانون در این جا نیست و بنا بر این تقریر این ماده توضیح واضحات کرده در صورتیکه بگوید من مدیون هستم دیگر نمیتواند

انکار کند و این محتاج میشود باینکه یک قانون در اینجا برای اوضاع کنیم .
آقا شیخ ابراهیم زنجانی - به عقیده بنده بعد از آن بیان که عرض کردم این اشکال دیگر جا ندارد بجهت اینکه ما میخواهیم براتی که در او تصریح شده مثل اقراریکه پیش حاکم شرع شده زیرا این اقرار بهمیم و این کار خیلی بزرگی است در برات همین که امضاء کرد که من فلان پول را گرفته ام دیگر نمی تواند بگوید من او را نکرده ام یا نکرده بودم و قرار شد که فلان طور بشود و من فلان جهت حواله کرده بودم اینها را نمیتواند بگوید هر گاه واقعا هم پول نکرده است باید بدهد اگر پول نکرده است و خواهش کرده اند از او که برات بکنند و او قبول کرده است همین قدر می نویسد که هزار تومان بده دیگر نمیتواند بنویسد که من هزار تومان گرفتم و بده فلان شخص بجهت اینکه آنرا در صورتیکه پول گرفته است بنویسد و اگر هم بنویسد آنکس که پول داده است میگوید پول گرفتم باید بنویسد که من هزار تومان پول گرفتم بده و آن صورت هم که عرض کردم که پول نکرده حواله میکند آن هم در بین مردم خیلی معمول است .

بجهت

باز بنده عرض میکنم و تکرار میکنم در صورتیکه تصریح نکنند برات دهنده و انکار بکنند حکمش چه چیز است این را بفرمائید به بینیم چه حکم خواهد داشت و این دارنده برات میتواند باو رجوع کند یا نمیتواند

آقا شیخ ابراهیم زنجانی

وقتیکه در برات تصریح نشده است و دهنده برات هم منکر شده است این را بفرمائید ؟

بجهت

بنده همین صورت را عرض می کنم .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی

آن وقت میروند محاکمه میکنند او میگوید پول داده ام آن میگوید پول ندادم منکر است میروند محاکمه میکنند معا که برای همین کار است و در صورتیکه پول گرفته است که تصریح باید بکنند آنوقت فرق ندارد بین برات یا تمت بنویسد فلان مبلغ پول گرفته ام و در صورتیکه تصریح نکرده و انکار بعد کرده است برات او علی الوجوه را میکند او میگوید تو بین پولی نداده سنت را ابراز بکن من کجا از تو پول گرفته .

رئیس

گویا مذاکرات در این باب کافی باشد اصلاح آقای معاضدالمک خوانده میشود در قابل توجه بودنش رأی میگیریم بعد در خود ماده رأی خواهیم گرفت اصلاح را بفرمائید (اصلاح آقای معاضدالمک عبارت ذیل قرائت شد)

برات کننده

باید در برات تصریح باخذ وجه نماید چنانچه پس از تصریح باخذ وجه از مدیونیت انکار نماید پذیرفته نخواهد شد .

رئیس

رأی میگیریم در این اصلاح آقاییکه این اصلاح را قابل توجه میدانند بفرمائید قابل توجه شد (یک مرتبه دیگر ماده اولی را بفرمائید) مجدداً ماده اولی قرائت شد .

رئیس

آقاییکه این ماده اولی را تصویب

میکند قیام نمایند . (با اکثریت ۴ رأی تصویب شد)
ماده دوم را بخوانید
ماده دوم عبارت ذیل قرائت شد)
ماده ۲ - برات گیرنده اولی میتواند وجه آنرا از کس دیگر گرفته برات را باسم او نماید و دومی به سومی هکذا هر چند نفر باشند در این صورت تمامی برات کنندگان مدیون یکدیگرند باین معنی که در صورت پروتست برات هر لاحق بسابق خود رجوع کرده وجه خود را دریافت میدارد تا برسد بحواله کننده اولی .

بجهت

فقط نظر بنده بساین جزء اول است اگر برات را پروتست نماید مقصود این است که متن برات را تغییر بدهد و حال آنکه در حاشیه او یک چیزی خواهد نوشت باین عبارت طوری نوشته شود که مطلب مفهوم شود و بطور وضوح نوشته شود .

افخار الواعظین

گویا مراد کمیسیون هم از این عبارتی که نوشته است این است که وقتی که وجهش را میگیرد و برات را میخواهد باو بدهد متن برات را تغییر نمیدهد بلکه در حاشیه او بنویسد که من این وجه برات را از فلان کس ماخوذ داشتم در وجه این شخصی که این پول را بمن داده است باید در حاشیه خود مقصود کمیسیون هم معین بوده است

آقا شیخ ابراهیم زنجانی

مقصود واضح است همان برات را کسی بکسی داده در برات نوشته است فلان بده او هم بنویسد فلان کس بده مراد واضح است بجای حواله همین طور ازین دست بدست دیگر گردش میکند بنده این عبارت را کافی میدانم خوب هم نوشته شده برات گیرنده اولی میتواند وجه آنرا از کسی دیگر گرفته برات را باسم او نماید یعنی بر آن براتیکه در دست دارد و خودش از کسی دیگر گرفته است حالا میخواهد پولی از دیگری بگیرد این را باو بدهد نوشته ایم (برات را باسم او نماید) اگر بنویسیم باسم او برات کنند آن چنین میفهماند که یعنی علیحده برات کند اما وقتی که بنویسیم باسم او نماید یعنی همین برات را عقیده من این است که این بهترین عبارت ها است .

وکیل الرعایا

چیزی که آقای بجهت خواستند از مجلس در این ماده خیلی لازم است و بدون آن ناقص است و خیلی این مقصود قابل تمجید است چنانچه فرمودند برای اینکه این برات معلوم است بیک مقصدی حواله میشود و چیزیکه حواله دهنده اولی نوشته است باید ثابت نماید در اون نوشته شده است که این وجه را حواله کرد وکیل الرعایا بپردازد این حواله که داده می شود میتواند بحواله کرد او همین طور دست بدست گردند کند دومی و سومی و بیشتر هم ممکن است بگردند دیگری بدیگری حواله میکند و یک قسمت از مطالب متن را با مضای خودش تکرار میکند که این هزار تومان وجه ظهر را از فلان گرفته ام بحواله کرد او بدهد او هم باید تقریباً یک همچو چیزی را بدومی بنویسد و اگر این ماده بدون آن تقاضای آقای بجهت باقی بماند ناقص میماند و مطلب را ناقص نگاه میدارد و شاید بر ما لازم شود که این توضیح را بهمیم بجهت اینکه اگر این توضیح را بنده هم با ساس ناقص خواهد ماند و اساس بسته بان است .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - مطلب راهم میدانند مطلب هم همان است حواله کرده است بفلان آنهم حواله کرده است بدیگری بنویسد این حواله که بن شده است بفلان بده دیگری هم همین را بنویسد در صورتیکه او هم بدیگری حواله میکند و این عبارت کافی است یا عبارت دیگری پیدا کنید غیر از این که بهتر باشد این عبارت بعقیده بنده خیلی واضح است برات را باسم او نماید یعنی بنده میتوانم وجهی را که در آن برات است از یکی دیگر گرفته برات را باسم او بنامم اگر این عبارت کافی نیست عرض کردم عبارت بهتری پیدا کنید آن نوشته شود .

معین الرعایا

در شور اول آقای وزیر فرمودند که دارنده برات حق داشته باشد بنام آن که برات را قبولی نویسنده قبولی نوشت هم از قبولی نویسنده وهم از سایرین که آن برات بدست آنها رسیده است و حواله داده اند بگیرد و این را بنده هیچ صحیح میدانم بجهت اینکه برات را که کسی حواله داد آن قبولی کننده برات که برات را قبول کرد این شخص حواله دهنده این وجه را باو میرساند بعد اگر دارنده برات آن اختیار داشته باشد که اگر بخواهد بسر موعده وجه برات را یا از کسیکه قبولی نوشته است بگیرد یا از آنکه برات را داده است این برخلاف منافع تجارت است و بعقیده بنده این رشته تجارت را متزلزل خواهد کرد و از هم خواهد گسیخت و قتیکه قبولی نویسنده قبول کرد و قبولی نوشت برنده او است که آن وجه را بدهد والا اگر غیر از این باشد چنانچه بنده در شور اول هم گفتم این خیلی بد است که یک اختیار بدست دارنده برات داده شود که بعد از آنکه آن قبولی کرد و برات قبولی نوشته شد صاحب برات هم از برات دهنده هم از کسیکه قبولی نوشته بگیرد در هر صورت فیه یکی از اینها مشغول خواهد بود یا نهم برات دهنده مشغول است یا نهم قبولی نویسنده و بنده نمی دانم مطابق کدام قانون این حق را بدارند . برات میباید که از قبول کننده یا از دهننده برات بگیرند .

آقا شیخ ابراهیم

این ماده که الان خوانده شد این را بفرمائید باماده کسابق بوده این ماده میگوید اگر قبولی نویسنده نداد با او معا که نمیکند پروتست میکند بر میگردد سر برات دهنده با اگر ایادی متوسطه در بین هست بر میگردد بسر سابق این ماده این است کجای این اشکال بفرمائید اگر بالاخره از ایادی متوسطه منتهی شد به برات دهنده اولی بدیهی است حکماً میتواند از او بگیرد کجای این اشکال دارد .

رئیس

گویا آقایان مذاکرات را کافی بدانند (بعضی اظهار کردند کافی نیست)

رئیس

پس رأی میگیریم در اینکه مذاکرات کافی است یا خیر آقاییکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (مذاکرات را کافی ندانستند)

وزیر عدلیه

باید در این ماده یک چیزی تصریح شود در باب ایادی متوسطه که هر لاحق بسابق رجوع میکند صحیح است که هر لاحق بسابق رجوع میکند لکن باید قید شود که هر گاه یکی از ایادی متوسطه غیر معتبر بیرون آمد میتواند بسابق او رجوع کند اگر همینطور که گفته شد برات پروتست شد دست بدست آمد و در بین یکی از ایاد متوسطه غیر معتبر درآمد

آنجا باید پول اوسوخت شود بموجب این ماده برای اینکه نوشته است که باید بسابق خودش رجوع نماید چون مجبور است که بتدریج بسابق برود و این مطلب در این ماده قید شده است .

رئیس - پس خوب است یک چیزی بنویسند آقای هشترودی مخالفند ؟

هشترودی

بفرمائید .
هشترودی - چون در ماه اول نوشتیم که اگر برات کننده تصریح در برات کند باخذ وجه بعد از آن نمیتواند انکار کند (این اگر را) نوشتیم و یک صورتی هم از ماده اول پیدا شد که بر فرض نوشت چه میشود چنانچه آقای مخیر محترم گفتند آن وقت بجا که میروند آن میگویند من وجه را داده بودم آن انکار میکند پس معلوم است که یک چنین برات هم خواهد بود که شاید اخذ وجه را بنویسد همچنانکه اجبار نکرده ام که بنویسد من پول را گرفته ام بعد از آن برات را دادم اینک در ماده اول گذشت و در این ماده بنده به عقیده خودم این جمله وجه آنرا از کسی دیگر گرفته این را زائد میدانم بجهت اینکه بعد از آنکه من برات را گرفته ام نوشته بود در برات که از فلان شخص که به من میرسد منم این برات را بدیگری دادم و نوشتم که به فلان شخص برسد فرض بفرمائید او هم هیچ نوشته بود که وجهش بمن رسید منم شخص ثالث داده ام این برات را لازم هم نیست که وجه را از او بگیرم همین قدر در آن برات بنویسم که این وجه را به فلان شخص بپردازد دیگر وجه آنرا از کس دیگر گرفته این قید را زائد میدانم بلکه به عقیده بنده زائد که سهل است بلکه منافی با ماده اول است این است که بنده پیشنهاد هم کرده ام که برات دهنده اولی میتواند همان را در ظهر وجه باسم دیگری حواله بدهد دیگر اینکه وجه آنرا از کس دیگر گرفته این را زائد بلکه منافی باماده اول میدانم

رئیس

پیشنهاد حضرت عالی بی امضاء بود

هشترودی

امضاء کرده ام .

رئیس

پس امثال حضرت عالی نیست چون یک پیشنهادی آمده که امضاء نشده .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی

این همان اصطلاح تجار که فروش برات میگویند همان است کسیکه برات در دست دارد بدیگری حواله میکند این را فروش برات میگویند در اصطلاح تجار این نگرش و نه ندارد مثل این است که این کاغذی است میفروشد بدیگری پول میگیرد او هم میفروشد بدیگری و آن باز بدیگری و مثل اسکاس اعتبار پیدا کرده است اینکه بنویسد دومی بسومی یعنی کسیکه این برات را بدیگری میکند این دیگر پول نکرش ندارد پول گرفته است و اینکه آقا بفرمائید پس مدیون یکدیگر بودن هم غلط است و رجوع یکدیگر هم غلط است و حال اینکه اینطور نیست این فروش برات است نهایت این است که فروش برات را ما اسم نبریم بجهت اینکه شرعاً تصور ندارد یعنی معنی ندارد از این باب گفتیم این فرض است برنده دهنده برات میگوید برو از فلان کس بگیر آنهم بهمین ترتیب بدیگری میگوید این پول را من از توفرض میگیرم تو هم برو از فلان کس بگیر آنهم

میرود از او میگیرد اگر نداد بر میگردد باو اگر او نداد بر میگردد بسابق او همین طور بان کسی که این را اول حواله و برات داده است پس اینجا نگرش وجه ندارد و مدیون یکدیگرند و رجوع هم بیک دیگر میکنند و منافی باماده اولی هم نیست و یکدیگر هم میفروشند مثل ماده اول است .

وکیل الرعایا

بنده عرض میکنم که آن عرایض اولی یک قدری بیشتر باید قابل توجه شود برات کننده در وقتی که امضاء کرد چنانچه قانون حق باو داد که از او پول گرفت باید بنویسد که مقصود معلوم است تا نگرش چهارم بنویسد که مقصود بعد که از دست او بیرون آمد حواله مسلم است که میشود همانطور اشخاص یکدیگر حواله بدهند حکم اسکاس ندارد لکن بعد از اینکه حواله کردند باز حکم آنها مختلف میشود چطور مختلف میشود اگر آنهم نوشت که وجه ظهر را گرفته ام و بحواله کرد فلان بپردازد که حکم قانون را مجری میدارند اگر نوشته است که گرفته ام همین قدر بنویسد که وجه ظهر را بدهد بفلان اما نوشته است که گرفته ام آنوقت بطوریکه فرمودند در صورت انکار باید رجوع بحکم شود که بیرون مرافقه بکنند پس مانع نمیتوانیم

همه چیز را بکنی بیاریم در مدت ماده قانون بکنانیم برای اینکه آنها هم بجای خودشان کار خودشان را میکنند آن چیزی را که ما میتوانیم بنویسیم این است که بگوئیم بان امضاء کننده اولی که توفرض وقتی که گفتم من گرفته ام از تو قبول ندارم که یک عذری را بدهد پیشنهاد کنید این یک جزء از قانون این قدر از فائده را نشان میدهد و اما این استفاضه اینجا میشود کرد و آن این است که آن امضاء کننده معض این برات نیست یعنی معض آن دومی و سومی نیست که بدیگری بفروشد تا اعتبار مهر و امضای او نشکند برای اینکه ممکن است کلاه دیگری را بخواهند بردارند او تکرار کند پول فلان کس را نهدید توقف کنید شاید خیلی هست که برای اینکه عنوانشان محفوظ بماند پولی را در برات نوشته است که گرفتیم دزد برداشت در آن برات حرف نمیزند آن پول را میبرند از دهننده میگویند که آن برات معضی نیست پس مانع نمیتوانیم همه این ترتیب را در این ماده قانون بکنانیم این یکی معلوم است وقتی که آن حواله برگشت و به آن حواله کننده رجوع شد او باید این را بدهد آن اشخاصیکه در بین هستند آنها هم مختلفاً حواله کرده اند اگر آنها هم همین اذاعت کرده اند و نوشته اند که گرفته ایم آنهم همین طور رجوع میشود به بعد تا اینکه برسد به آن حواله کننده اولی و او باید این وجه را بپردازد چیزیکه اخیراً عرض میکنم این است که تمام جزئیات را بنویسد اینجا بکنانیم و اینقدر از فائده را که این ماده شامل است کافی است .

آقا سید حسن مدرس

این مسئله گمان میکنم که این ترتیب هیچ جای شبهه نیست و آن لفظی را که آقایان فرمودند که در برات باید نوشته شود چندان لزومی ندارد برای اینکه این عبارت خودش مقصود را میرساند حالا اگر عبارت واضحی بخواهند بنویسند مسئله نیست ترتیب پروتست هم همین قسم است که کل واحد از این برات دهنده یا نوشته است که گرفته ام یا نوشته است اگر نوشته است گرفته ام

که بحکم اولی است و اگر نوشته است که گرفته ام باز منافات با آن حکم اولی ندارد بجهت اینکه آن کسیکه گفته است گرفته ام بدون محاسبه از او بگیرند و آنکه نوشته است گرفته ام محتاج به محاسبه است اما در باب فرمایشی که فرمودند که می تواند راه لایحی در صورتی که سابق او غیر معتبر بود بقیه سابق خود یعنی بقیه از سابق خود رجوع میکند خیلی چیزهاست که در عالم اگر اتفاق بیفتد بنظر خیلی بد می آید لکن نمیشود اتفاق بیفتد من آن کسیکه بول باو داده ام می توانم باو رجوع بکنم و او هم بول بهر کس داده است برود بگیرد این یک ترتیب است که عقل هم با آن همراه است و اما اینکه یک کس دیگر بول بیک کس دیگر داده است من حق داشته باشم که بول خودم را بروم از او بگیرم این خیلی بی ترتیب است لهذا حکم مسئله همین است که هر لایح سابق خودش رجوع بکند و آنهم آنکه بول داده است رجوع بکند و همین طور تا برسد بان کسی که اول برات داده است والا اینکه اگر یک نفر از این میان بیفتد من حق داشته باشم و بتوانم بان کسی که قبل از او است رجوع بکنم من که باو بول ندادم که حالا از او مطالبه بول خودم را بکنم این وجهی ندارد از این جهت بقیه بنده همان ماده صحیح است

وزیر عدلیه - این قانون برای روابط تجارت دولت نوشته میشود و ما باید در این قانون تمام آن نکاتی که از لوازم روابط تجارت ملحوظ بداریم و بهمین جهت عقیده بنده اینست که مجلس یا این قانون را که نوشته است از مجلس و بکلی مخالفت با روابط تجارت بکلی حذف بکند یا اگر میخواهد یک قانونی بنویسد که قانون صحیحی باشد برای اینکه چنانچه امروز ملاحظه میفرمائید از این قانونیکه سابقاً از مجلس گذشته است و حالا در دست مردم است از اطراف داخله و خارجه شکایتها میرسد و بنده مینماید که این ابتلای بزرگی از برای تجارت ما خواهد شد بنده این را که میفرمائید این ترتیب عقل با او همراه نیست نمیدانم و عرض میکنم شما باید یک ترتیبی از برای تجارت خودتان بدهید که صحیح باشد برای اینکه شما نمیتوانید بگوئید ما دور خودمان را یک دیواری میکنیم و کاری بکسی نداریم و این قانون را از برای خودمان مینویسیم تجارت وطن ندارد باید یک ترتیبی را قرار داد که مخالف با ترتیب عموم نباشد اگر چه بنده نمیتوانم تصور بکنم که یک ترتیبی در تمام دنیا بین مردم باشد که با عقل موافقت نداشته باشد و بنده حالا از ترتیب فلسفه این کار صرف نظر میکنم و داخل فلسفه اش نمیشوم لکن همین قدر عرض میکنم که شما اگر میخواهید ترتیبی از برای تجارت خودتان بدهید نمیتوانید بگوئید که ما یک دیواری دور خودمان میکنیم و این را برای خودمان مینویسیم و در صورتیکه نمیتوانید همچو قانون بگذارید بهتر اینست که بسکوت بگذارید و اگر غیر از این باشد جز ضرر چیز دیگری نخواهد دید چرا بجهت اینکه تجارت ناچار از امور بین المللی است و قانونی که میگذارد نباید مخالف قوانین بین المللی و قوانین تجارت باشد و اگر یک همچو قانونی خواستید بگذارید بهتر اینست که هیچ قانونی نگذاریم برای اینکه اگر

گذاشتید و مخالف شد وقتیکه برات مارت پیاریس و لندن آنها موافق قانون خودشان رفتار خواهند کرد و غیر از اینکه ضرر بپریم نتیجه دیگری نخواهد داشت شما تصور نکنید که وقتیکه برات شما از آنجاها برگشت موافق قانون خودتان رفتار خواهید کرد آنها با ما عهدنامه دارند و () دارند و موافق آنها هر چه را بخواهند از ما خواهند گرفت و در این صورت ما از این ترتیب ضرر خواهیم برد پس برای حفظ روابط تجارتنی و حفظ منافع تبه خودمان حتماً باید اینرا قید بکنید که هر لایح سابق خود رجوع میکند و در صورتیکه آن سابق غیر معتبر در آمد حق دارد از او بگذرد و سابق او رجوع بکند بجهت اینکه مکرر در اینجا عرض کرده ام تجارت یک چیزی نیست که تعطیل شود تا اینکه دو ماه شخص برود در یک محکم و (آنو کا) بگیرد که این شخص معتبر است یا آنکه او بگوید من مفلس این بگوئید تو مفلس نیستی در تجارت کسی وقت اینکار ما را ندارد بلکه محض اینکه سابق من غیر معتبر در آمد او را میگذارم سابق میچسبم او ندارد سابق او و همین طور تا برسد به اولی از این جهت بنده تصور میکنم که حتماً نوشتن این جمله در این ماده لازم است نظر اینکه باید حفظ روابط تجارتنی و حفظ تبه خودتان را بکنید و نظر بان امینتی که نمیتوانید دور خودتان را دیوار بکشید والا باید این ماده فایده ندارد بلکه ضرر داشت حالا دیگر خودتان مختارید.

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند (گفتند خیر)

پس رأی میکنیم در اینکه مذاکرات کافی است یا کافی نیست آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند) پس معلوم میشود که مجلس مذاکرات را کافی نمیداند. آقای معین الرعایا.

حاج معین الرعایا - اظهاراتی را که آقای وزیر عدلیه فرمودند تصور میکنم منکر نداشت این در سایر ممالک و هم چنین در ایران معمول بوده است که وقتیکه برات برگشت هر لایح سابق خود رجوع میکرد این هم منکر ندارد اما در صورتیکه برات برگشت بکند یعنی آن بول کشته قبول نکند و بر گردد و اینکه اینجا مذاکره میشود برای این است که بعد از قبول کردن باید وجه را بدهد پس در وقتیکه قبول کشته قبول نکرد در تمام عالم و همچنین در ایران تا بحال معمول بوده است که هر لایح سابق خودش رجوع میکرد و بول خودش را بان کسیکه داده بود میگرفت ولی نه بعد از سه ماه بجهت اینکه این شخصیکه هزار لیره برات میدهد طرف سه ماه آن هزار لیره را میدهد و آن وقت سه ماه آن قبول کشته دلس میخواهد وجه را ندهد یا دارنده برات صرفه اش این است که این وجه را در آنجا بگیرد و اگر در آنجا ما بخواهیم که باید رجوع بسابق خود بکند این خیلی بی ترتیب خواهد شد متلفس فرمائید شخصی در طهران برات داده است برای تاجری در بغداد و در آن هم نوشته است که من وجه این را گرفته ام و بعد از برات دادن هم وجه برات را از برای طرف خودش میفرستد آن وقت این برات دارنده

میبیند که اگر در بغداد بخواهد بول خودش را بگیرد از برای او صرف نمیکند و در طهران بهتر است و در این صورت اگر ما بگوئیم حق دارد از آن کس برات گرفته است مطالبه کند این يك ظلمی خواهد بود که ما در حق آن برات دهنده کرده ایم والا در صورت برگشت این مسلم است و در تمام جاها و در ایران هم مسئول بوده است که در صورتیکه برات برگشت میکرد هر کس بهر کس بول داده بود بول خودش را میگرفت یعنی هر لایح سابق خودش رجوع میکرد.

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - تمام اشکالات از این تولید شده است که بعد از آنی که بول داده و برات گرفت و آن کسیکه باو حواله شده است نداد این شخص مجبور نیست که با قبولی نویسنده محاکمه کند پروتست دو قسم است یکی پروتست عدم قبول است یکی پروتست عدم ادا میروست عدم قبول این است که از اول قبول نمیکند و نمیدهد پروتست عدم اداء این است که قبول میکند ولی نمیدهد یا در دادن مسامحه میکند و در این هر دو صورت پروتست میکنند و بر میگردد بسابق در قانون سابق این طور نوشته شده بود که قبولی نویسنده با دو وجه ملزم است و این اشکالات از آن ناشی شد که کسیکه قبول کرد بعد از آن تأدیبه وجه نکرد موافق قانون تجارتنی آن برات برگشت یعنی هر لایح سابق خود رجوع میکرد و ما برخلاف آن نوشته بودیم این بود که این اشکالات شده بود و حالا میخواهیم آن اشکالات را برداریم اما در مسئله که آقای وزیر فرمودند که در بین این برات دهندگان هر گاه یکی غیر معتبر شد چه باید کرد ما سابقاً هم نوشته بودیم که کسیکه دارنده برات است میتواند با بادی متوسطه بلکه باولی رجوع بکند و همینطور هر کدام که نا معتبر شد می تواند بسابق آن دارنده برات رجوع بکند و این بر حسب شرع هم صحیح است که هر یک مدیون دیگری است این مدیون او مدیون او و هکذا علاوه بر این یک وجه دیگری هم میشود برای افکار پیدا کرد که کسیکه مدیون من است وقتیکه از او درنمی آید و کار هم باین ترتیب شده است یعنی به بادی متعاقب گردیده است من میتوانم من باب تقاض از سابق او بگیرم نظر بانیکه همین وجه را که من از او میخواهم او از سابق خودش طلب دارد حالا باید در این خصوص مذاکره کرد.

حاج وکیل الرعایا - چون در ضمن مغلوط شد آن پیشنهاد وزیر با این ماده و بعضی چیزها هم در اینجا پیدا شد که باید مجلس برای رأی دادن ملتفت آن شود گمان میکنم در آن چیزی که آقای وزیر پیشنهاد کردند و میخواستند آقای مدرس هم هیچ ایرادی نداشتند برای اینکه در وقتی که شخص بول میدهد.

رئیس - شما میخواهید بفرمائید که بین وزیر و آقای مدرس مخالفتی نیست با ماده اگر مخالف هستید بفرمائید.

حاج وکیل الرعایا - با ماده مخالف نیست میخواستم توضیحی در این خصوص بدهم.

رئیس - لازم نیست.

هادی الملک - بنده تصور میکنم که قانون برای تسهیل امراست و این قانون پروات تجارتنی

که در اینجا نوشته میشود بجای تسهیل امر تجارت را تضعیف میکند و تأیید میکنم فرمایش آقای وزیر را که فرمودند اگر این قانون را نویسیم خیلی راحت تر خواهیم بود در ماده اول بواسطه اضافه کردن يك لفظ (را اگر) يك اشکال فوق العاده از برای تجار فراهم شد که باید در هر مورد بروند محاکمه بکنند و در این ماده هم بطوریکه آقای وزیر عدلیه فرمودند اگر بنویسیم هر لایحی بسابق خودش و در صورت غیر معتبر در آمدن آن سابق به سابق از او می تواند رجوع بکند باز همان اشکال اولی که در بین بود باقی خواهد ماند از این جهت بنده تصور میکنم که باید آن جمله پیشنهادی آقای وزیر عدلیه را اضافه کرد و الا این قانون را بکلی حذف کنیم بهتر است از این که زحمت بکنیم و از مجلس بگذرانیم.

رئیس - مجدداً رأی میکنیم در اینکه مذاکرات کافی است یا کافی نیست (گفتند کافی است) آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (اغلب قیام کردند) با اکثریت تصویب شد که مذاکرات کافی است حالا اصلاح قرائت میشود و در آنها رأی میکنیم.

(اصلاحی از طرف آقای آقامیرزا ابراهیم خان به عبارت ذیل قرائت شد).

بنده پیشنهاد میکنم ماده اینطور نوشته شود - برات را باسم او انتقال بنماید.

آقای میرزا ابراهیم خان - چون باشا به يك كله انتقال منضمون ماده روشن تر میشود و بیان بطور بینی خواهد بود از این جهت بنده پیشنهاد کردم که نوشته شود برات را باسم او انتقال نماید.

رئیس - آقای مخیر این اصلاح را قبول دارید؟

آقای شیخ ابراهیم - انتقال دادن برات معنی ندارد.

رئیس - پس رأی میکنیم آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند) قابل توجه نشد.

بنده پیشنهاد میکنم که ماده دو چنین نوشته شود. ماده ۲ - برات گیرنده اولی میتواند وجه آن را از کس دیگر گرفته همان برات را باسم او نماید

رئیس - لازم نیست که بعد از خواندن هر اصلاحی بنده اظهار کنم که مخیر قبول دارد یا نه بسجرا اینکه اصلاح خواننده شد مخیر اگر قبول دارد میتواند اظهار بکند.

آقای شیخ اسمعیل هشترو دی - چون آقای مخیر فرمودند که مثلاً بنده که برات گرفتم از کسی و او معطاق نوشته است و تصریح نکرده است که من وجه را گرفتم یا نه و در تالی که آن برات را بنده میخواهم بدیگری حواله بدهم همچو فرمودند که ممکن نیست تا وجه را نگیرد حواله بدهد بنده میگویم که این همچو نیست ممکن است که وجه نگیرد حواله بدهم و تا بحال هم همچو نوشته است فروش برات را که میگویند این است که بول میگردان برات را میدهد باو - فروش برات لغضی است که مصطح شده است بین مردم والا بنده که از شخصی برات گرفته ام بدهم شخصی ثالثی که این بول را بگذرد همچو نیست که آن بول را از او نمیگیرم شاید مقروض باشم یا شاید بوجه اعانه باقر بنأ الی الله بدهم منصوص این است که اینطور ها خیلی است یعنی بنده که خودم بعضی اوقات مبتلا شده ام دیده ام که آن نانی و نالک هم يك طوری میشود که لازم

نیست که وجه را بگیرند و این صحبتها هم که در این جا شد بنده آنها را مؤید خودم میدانم و آن اظهاراتی را که آقای وزیر عدلیه فرمودند آنهم از همین راه است و واقعاً برات فروش این طور نیست که هر کس برات داد بول را بگیرد بلکه واقعاً مناسط اعتبار همان برات دهنده اولی است و با اعتبار او برات دست بدست میگردد و شاید هیچك از آنها هم بول ندهند و لکن آن را بگیرد و بخرج میگذارد این است که فرمایش مخیر بنده را قانع نکرد و این پیشنهاد را کردم و تقاضایم این است که وجه آنرا از کس دیگر گرفته زائد است لازم نیست نوشته شود بلکه همین قدر نوشته شود که همان برات گیرنده اولی میتواند آن برات را بکسی دیگر بفروشد یا همانطور که بنده پیشنهاد کرده ام در ظاهر ها ورقه بدیگری حواله بدهد وقتی که این مطلق شد مثل ماده اول میشود یعنی با ماده اول مطابقت پیدا میکند يك صورت دیگری هم هست که بنده برای مثال عرض میکنم مثلاً اولی نوشته است که من وجه را گرفتم برات را دادم ولسی دومی ننوشته است که من وجه را از کدام شخص گرفتم و برات دادم این بطور مطلق نوشته است که این وجه را بخواه کرد منبعه وقتیکه برات برگشت آن لایح بر میگردد و بسابق خودش که دومی است میگوید برات برگشت بول مرا بده اینهم میگوید من که از تو بول نکرده ام این است که میروند بجا که ولی آن اولی یا دومی هیچ محاکمه نمیشود چون نوشته است که بول را من گرفتم و برات داده و اینهم قانونی نیست که وجه آن را از کس دیگر گرفته حواله بدهد همانقدر که برات میدهد کافی است در هر صورت برات بکند لفظ قانونی نیست.

رئیس - رأی میکنیم در اصلاح آقای هشترو دی آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند) قابل توجه نشد.

اصلاحی هم آقای آقا شیخ علی پیشنهاد کرده اند خواننده میشود (بباعت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده دو چنین نوشته شود. ماده ۲ - برات گیرنده اولی میتواند وجه آن را از کس دیگر گرفته همان برات را باسم او نماید

رئیس - لازم نیست که بعد از خواندن هر اصلاحی بنده اظهار کنم که مخیر قبول دارد یا نه بسجرا اینکه اصلاح خواننده شد مخیر اگر قبول دارد میتواند اظهار بکند.

آقای شیخ ابراهیم - این پیشنهاد عین همان ماده اینجا است که از کمیسیون پیشنهاد شده است

آقای شیخ علی شیرازی - در پیشنهاد بنده يك لفظ همانی نوشته شده است و در حقیقت این باصطلاح آن برات فروش است که در حاشیه برات کسیکه آن برات را دارد مینویسد که من این برات را منتقل کرده بفلان و باید در وجه فلان زید پرداخته شود و این عبارت ماده چنین میفرماید که آن کسیکه در ثانی برات را منتقل میکند میتواند برات را تغییر بدهد اما اگر يك لفظ همان نوشته شود معنوم میشود که مقصود از این عبارت برات دیگری نیست بلکه مقصود همان برات است و در حاشیه او بسایه بنویسد که من این برات را بفلان

زید منتقل نمودم بجهت توضیح عبارت بنده این تقاضا را کردم.

رئیس - لکن این يك اصلاحی نیست که بشود در آن رأی گرفت - اصلاحی آقای آقا شیخ غلامحسین پیشنهاد کرده اند خواننده شود.

(بباعت ذیل قرائت شد)

بنده تقاضا میکنم که در ماده ۲ بعد از (هر لایح بسابق) اضافه شود و یا اسبق خود رجوع نماید.

آقای شیخ غلامحسین - نظر بنده همان نظری است که آقای وزیر عدلیه فرمودند چون هر کس که برات را میگیرد باعتبار همان برات کننده اولی است و ممکن است همچنانکه آقای وزیر فرمودند يك وقتی تا یکی از برات کننده ها بی اعتبار شوند و آن شخص بتواند باو رجوع بکند باین جهت باید اجازه داده شود که حق داشته باشد رجوع بسابق او بکند.

رئیس - آقای وزیر عدلیه پیشنهادی کرده اند خواننده میشود.

(نیز بباعت ذیل قرائت شد) در آخر ماده ۲ اضافه شود.

(ولی اگر یکی از ابادی متوسطه غیر معتبر در آمد دارنده برات میتواند بسابق او رجوع کرده وجه خود را دریافت کند.

آقای شیخ غلامحسین - چون پیشنهاد وزیر بهتر است بنده پیشنهاد خود را پس میکنم.

رئیس - پس اصل رأی میکنیم بماده رابورت کمیسیون بعد رأی میکنیم در ماده رابرت بضمیمه پیشنهاد وزیر (ماده ۲ رابورت کمیسیون مجدداً خوانده شد)

رئیس - رأی میکنیم در این ماده دو که از طرف کمیسیون پیشنهاد شده است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند) رد شد.

حالا ماده دو خواننده میشود (بایستند وزیر بباعت ذیل قرائت شد).

ماده ۲ - برات گیرنده اولی میتواند وجه آنرا از کس دیگر گرفته برات را باسم او نماید و دومی بسیمی و هکذا هر چند نفر باشند در این صورت تمامی برات کنندگان مدیون یکدیگرند باین معنی که در صورت پروتست برات هر لایح سابق خود رجوع کرده وجه خود را دریافت میبازد تا برسد بخواه کننده اولی ولی اگر یکی از ابادی متوسطه غیر معتبر در آمد دارنده برات میتواند بسابق او رجوع کرده وجه خود را دریافت کند.

رئیس - آقایانیکه ماده ۲ را باینطوری که خواننده شد تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) با اکثریت چهار و پنج رأی تصویب شد.

رئیس الوزراء - وزارت مالیه در امور وزارتی معلوم است که مهم و پر زحمت تر است از سایر امورات و ناب ممتاز الدوله بواسطه تقاض مزاج استعفا کردند این بود که بوزارت تجارت ریست و تلگراف تبدیل شدند و قبول کردند بعد جناب معاون الدوله هم آن وزارتخانه را قبول کردند محض معرفی بحضور مجلس مقدس آمدیم که عرض کنم.

زید منتقل نمودم بجهت توضیح عبارت بنده این تقاضا را کردم.

رئیس - لکن این يك اصلاحی نیست که بشود در آن رأی گرفت - اصلاحی آقای آقا شیخ غلامحسین پیشنهاد کرده اند خواننده شود.

(بباعت ذیل قرائت شد)

بنده تقاضا میکنم که در ماده ۲ بعد از (هر لایح بسابق) اضافه شود و یا اسبق خود رجوع نماید.

آقای شیخ غلامحسین - نظر بنده همان نظری است که آقای وزیر عدلیه فرمودند چون هر کس که برات را میگیرد باعتبار همان برات کننده اولی است و ممکن است همچنانکه آقای وزیر فرمودند يك وقتی تا یکی از برات کننده ها بی اعتبار شوند و آن شخص بتواند باو رجوع بکند باین جهت باید اجازه داده شود که حق داشته باشد رجوع بسابق او بکند.

رئیس - آقای وزیر عدلیه پیشنهادی کرده اند خواننده میشود.

(نیز بباعت ذیل قرائت شد) در آخر ماده ۲ اضافه شود.

(ولی اگر یکی از ابادی متوسطه غیر معتبر در آمد دارنده برات میتواند بسابق او رجوع کرده وجه خود را دریافت کند.

آقای شیخ غلامحسین - چون پیشنهاد وزیر بهتر است بنده پیشنهاد خود را پس میکنم.

رئیس - پس اصل رأی میکنیم بماده رابورت کمیسیون بعد رأی میکنیم در ماده رابرت بضمیمه پیشنهاد وزیر (ماده ۲ رابورت کمیسیون مجدداً خوانده شد)

رئیس - رأی میکنیم در این ماده دو که از طرف کمیسیون پیشنهاد شده است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند) رد شد.

حالا ماده دو خواننده میشود (بایستند وزیر بباعت ذیل قرائت شد).

ماده ۲ - برات گیرنده اولی میتواند وجه آنرا از کس دیگر گرفته برات را باسم او نماید و دومی بسیمی و هکذا هر چند نفر باشند در این صورت تمامی برات کنندگان مدیون یکدیگرند باین معنی که در صورت پروتست برات هر لایح سابق خود رجوع کرده وجه خود را دریافت میبازد تا برسد بخواه کننده اولی ولی اگر یکی از ابادی متوسطه غیر معتبر در آمد دارنده برات میتواند بسابق او رجوع کرده وجه خود را دریافت کند.

رئیس - آقایانیکه ماده ۲ را باینطوری که خواننده شد تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) با اکثریت چهار و پنج رأی تصویب شد.

رئیس الوزراء - وزارت مالیه در امور وزارتی معلوم است که مهم و پر زحمت تر است از سایر امورات و ناب ممتاز الدوله بواسطه تقاض مزاج استعفا کردند این بود که بوزارت تجارت ریست و تلگراف تبدیل شدند و قبول کردند بعد جناب معاون الدوله هم آن وزارتخانه را قبول کردند محض معرفی بحضور مجلس مقدس آمدیم که عرض کنم.